

نمونه‌های فرهنگ جهانی (۱)

⑤ برای مطالعه درس سوم صمیمانه و رفیقانه خواهش می‌کنم وقت و انرژی خوب بگذار چون به اندازه موهای جوجه‌تیغی امکان طراحی تست و سوال از این درس هست. هدف اصلی، روشن کردن مفهوم دو واژه اساسی «استعمار» و «امپریالیسم» و توضیح «انواع امپریالیسم» است؛ پس سه، دو، یک دنبال من بیا.

جامعه تغلب

⑥ در درس قبل با مدینه فاسقه ابونصر فارابی آشنا شدیم (عقاید آن حق بود اما هنجارهایش ناحق). یکی دیگر از انواع جوامع جاهلی از نظر فارابی جامعه تغلب است. اصطلاحات «استعمار» و «امپریالیسم» که در ادامه مطالعه می‌شوند با مفهوم غلبه و جامعه تغلب در ارتباط هستند.

مشخصات مدینه تغلب

- ۱) مردم برای غلبه یافتن و چیره‌شدن بر سایر ملت‌ها با یکدیگر همکاری می‌کنند.
- ۲) همه مردم شیفته غلبه بر اقوام و ملل دیگر هستند (کنش همکاری بر مبنای ارزش غلبه یافتن بر اقوام دیگر پدید می‌آید).
- ۳) هدف این مردم، خوار و مقهور کردن دیگران است و می‌خواهند ملت مقهور، نه مالک جان خود باشد نه مال خود و نه هیچ چیز دیگر.
- ۴) چنین افرادی دوست دارند که بر یکایک مردم جامعه خود نیز چیره شوند، اما آن‌ها از چیرگی بر یکدیگر خودداری می‌کنند. چرا که در ۳ با به کمک هم نیاز دارند، (۱ برای بقای خود ۲) برای غلبه بر اقوام دیگر ۳) برای ممانعت از غلبه اقوام دیگر بر خود.

۵ اندر اموات روحی مردم این مدینه باید گفت،

- ۱) گمان می‌برند تنها آنان هستند که خوشبخت، پیروز و مورد رشک دیگران هستند و باید باشند و از همه جوامع دیگر برتر هستند.
 - ۲) مردم جوامع دیگر در نظر آنان خوار و بی‌ارزش شمرده می‌شوند.
 - ۳) مورد دوم و سوم باعث زنده کردن حس خودخواهی در آنان شده و همواره می‌خواهند دیگران آنان را ستایش کرده و چاپلوسی نمایند.
 - ۴) گمان می‌برند که ملت‌های دیگر نتوانسته‌اند به موقعیتی که آنان به دست آورده‌اند برسند و اصولاً ملل دیگر چنین سعادت را نمی‌شناسند.
- چند نکته** ۱) با استفاده از این ویژگی‌ها می‌توان ارزش‌ها و آرمان‌هایی برای جامعه تغلب در نظر گرفت؛ مانند به زیر سلطه درآوردن سایر جوامع، بدل‌شدن به قدرت یگانه در سطح جهان، متعلق دانستن تمام امکانات جهان مادی به یک کشور.

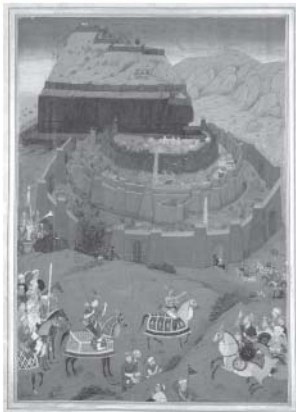
۲) «ارزش‌ها و عقاید جامعه تغلب ناظر به قوم و منطقه خاصی است.» اما «این مدینه نسبت به سایر اقوام و مناطق نگاه سلطه‌جویانه دارد.»

از این دو مطلب چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟ این فرهنگ می‌تواند از محدوده مرزهای جغرافیایی و قومی خود فراتر برود و در راه جهانی‌شدن قدم بگذارد. درس قبل که یادت نرفته؟

۳ در درس قبل با فرهنگ سلطه آشنا شدیم. مدینه تغلب، جامعه دارای فرهنگ سلطه است.

۴ مشخص است که مدینه تغلب دارای فرهنگ باطل است. (با توجه به مورد دومی که گفتیم.) (مفهوم فرهنگ حق و باطل را مبسوط در کتاب پارسال بررسی کردیم.)

جهان‌گشایی و امپراتوری



یادآوری ۱ فرهنگی که تسلط یک قوم، جامعه یا گروه خاصی را بر دیگران به دنبال می‌آورد و دیگران را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، فرهنگ سلطه یا استکبار است. (درس دوم)

۲ فرهنگ‌های جهانی دو گونه هستند:

۱) فرهنگی که ارزش‌های آن مربوط به قوم و منطقه خاصی است اما نسبت به سایر ملت‌ها نگاه سلطه‌جویانه دارند.

۲) فرهنگی که به ارزش‌های انسانی و فرامنطقه‌ای قائل است.

با توجه به دو نکته یادآوری مشخص می‌شود که، از میان فرهنگ‌های بسیاری که از مرزهای جغرافیایی خود عبور کرده و به سوی جهانی شدن حرکت کرده‌اند تنها برخی از آن‌ها فرهنگ سلطه و استکبار بوده‌اند.

چه نسبتی می‌توان بین سلطه و استکبار و جهان‌گشایی و امپراتوری در نظر گرفت؟

برخی فرهنگ‌ها و جوامع، سلطه بر دیگر جوامع را ارزش اجتماعی برتر می‌دانند (جوامع تغلب که فرهنگ سلطه یا استکبار دارند) این جوامع در گذشته امپراتوری‌های بزرگ را به وجود آورده‌اند.

کشورگشایی و جهان‌گشایی به همراه قدرت نظامی و حضور مستقیم سربازان پیروز است که امپراتوری و شاهنشاهی را شکل می‌دهد.

مشخص است که جهان‌گشایی و امپراتوری اوضاع گل و بلبلی را با فودش به کشورهای دیگر نمی‌آورد و امپراتوری و جهان‌گشایی اغلب با کشتارها و خسارت‌های انسانی و اقتصادی فراوان همراه است.

نمونه‌هایی از جهان‌گشایی و امپراتوری

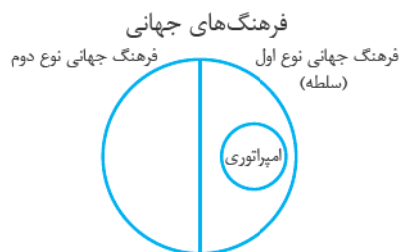
نمونه‌های جهان‌گشایی و امپراتوری در طول تاریخ کم نیستند. کتاب *در سی حکومت مغولان و میناب اسکندر قان* را به عنوان دو امپراتوری ذکر کرده، خسارتی که اسکندر به بار آورد به آتش کشیدن تخت جمشید و خسارتی که مغولان به بار آوردند نابودی حیوانات و از دم تیغ گذراندن شهرها بود. (هم‌پیمان آثاری از حکومت سلوکیان، که پس از اسکندر در ایران پدید آمد در شهرهای کشورمان، وجود دارد.)

بخوانیم و بدانیم برای این که با مضامین اهالی بقارا به عنوان یکی از شهرهایی که از دم تیغ مغولان گذشته بود آشنا شوی قسمتی از تاریخ جهان‌گشایی پوینی در این قسمت نقل شده است با این مضمون که: شهر دانشمندان، ماوراءالنهر، به حالی درآمده بود که مردم جز جامه‌ای بر تن نداشتند و به قول یکی از کسانی که از این مخمصه جان سالم به در برده بود: مغولان آمدند و کندند و سوختند و کشتند و بردند و رفتند.

حکایتی که در «بخوانیم و بدانیم» از کتاب تاریخ جهان‌گشا آمده است اشاره دارد به جهان‌گشایی و امپراتوری مغولان و خسارتی که این پدیده به همراه می‌آورد.

چند نکته ۱ تمام جوامعی که فرهنگ سلطه یا استکبار دارند و به قول فارابی مدینه تغلب هستند، جهان‌گشا و امپراتور نمی‌شوند. چون ممکن است اندیشه تسلط خود بر دیگر جوامع را با روش‌های دیگری غیر از تسلط نظامی و حضور مستقیم سربازان پی بگیرند. در بخش امپریالیسم و استعمار این بحث را بیشتر توضیح می‌دهم. تازه اصلاً به نظرت در دوران مدرن می‌شود امپراتوری ایجاد کرد؟! پس فرهنگ‌های سلطه‌ای مثل سرمایه‌داری و صهیونیسم بین‌الملل امپراتوری محسوب نمی‌شوند.

به این ترتیب همان‌طور که تمامی فرهنگ‌های جهانی فرهنگ استکبار نیستند تمامی فرهنگ‌های استکبار هم امپراتور نیستند.



۲ راحت‌تر بگوییم ... بنگر!

۳ به این ترتیب بهتر از من می‌دانی که،

فرهنگ جهانی | فرهنگ سلطه یا استکبار (مدینه تغلب) ← برخی به امپراتوری تبدیل شدند. فرهنگ‌های حق

۴ امپراتوری خاص دوران پیشامدرن است. در دوران مدرن امپراتوری به مفهومی که کتاب به آن نظر دارد شکل نمی‌گیرد.^۱

۵ جهان‌گشایی و امپراتوری و شاهنشاهی تقریباً مفاهیم یکسانی دارند.

۱- کتاب درسی امپراتوری را تنها با حضور مستقیم سربازان تعریف کرده در حالی که در استعمار نو (در همین درس می‌خوانیم) این جهان‌گشایی شکل جدیدی پیدا کرده و از طریق ابزارهای ارتباطی و خاصه رسانه‌ها صورت می‌گیرد. به همین خاطر است که در دوران مدرن نمی‌توان سراغ از امپراتوری در آن معنا گرفت و باید به دنبال اشکال جدید سلطه رفته و از آن‌ها بحث کنیم.

راستش را بفواهی کتاب اول باید غلبه نظامی را بررسی می‌کرد و بعد به عنوان مصداقی از آن امپراتوری را توضیح می‌داد. برای بر هم نفودن نظم ذهنی شما من هم با سیستم کتاب جلو رفتم ... بگذریم ... برسیم به غلبه نظامی ...

غلبه نظامی VS غلبه فرهنگی

نیروهای نظامی آمریکا بیش از ۱۵ سال است که در افغانستان حضور دارند. در این مدت، گاه شاهد آن بوده‌ایم که بسیاری از غیرنظامیان این کشور در جریان جنگ‌ها کشته شدند و حتی رژیم سیاسی این کشور را آمریکا به همراهی انگلستان توانست تغییر دهد. اما این غلبه نظامی با غلبه فرهنگی همراه نبوده است. افغانستان با حفظ هویت فرهنگی خود توانست زبان، دین و حتی، آداب و رسوم خود را حفظ کند. در تاریخ، اقوامی بوده‌اند که با قدرت نظامی بر دیگر اقوام تسلط پیدا کرده‌اند؛ اما همیشه این غلبه نظامی که منجر به حضور مستقیم قوم مهاجم در مناطق جغرافیایی مختلف می‌شود بسط فرهنگی مهاجمین را به دنبال نمی‌آورد. اگرچه فرهنگ سلطه به دنبال آن است که با تأثیرات فرهنگی که بر جوامع مغلوب می‌گذارد ارزش‌های خود را جهانی کرده و راحت‌تر بتواند بر آن‌ها تسلط یابد.

مثال ایرانیان باستان فتوحاتی فراتر از مرزهای جغرافیایی خود داشتند اما جهان‌گشایی آنان به جهانی‌شدن فرهنگشان منجر نشد.

قومی که در اثر تهاجم نظامی شکست می‌خورد در ارتباط با گروه مهاجم دو عملکرد می‌تواند داشته باشد:

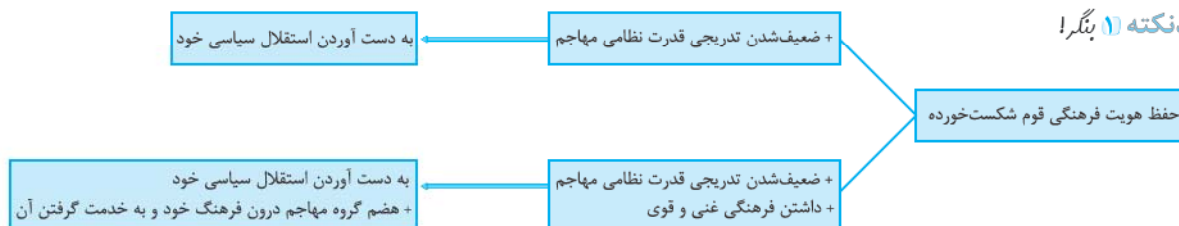
۱) اگر هویت فرهنگی خود را حفظ کند با ضعیف‌شدن تدریجی قدرت نظامی مهاجم می‌تواند استقلال سیاسی خود را به دست آورد. **مثال کشور** *الجزایر که بعد از هفتاد سال هنگ توانست استقلال خود را اعلام کرده و از استعمار فرانسه خارج شود.*

۲) اگر هویت فرهنگی خود را حفظ کند و فرهنگ غنی و قوی داشته باشد با ضعیف‌شدن تدریجی قدرت نظامی مهاجم می‌تواند گروه مهاجم را درون فرهنگ خود هضم کند و آن را به خدمت بگیرد.

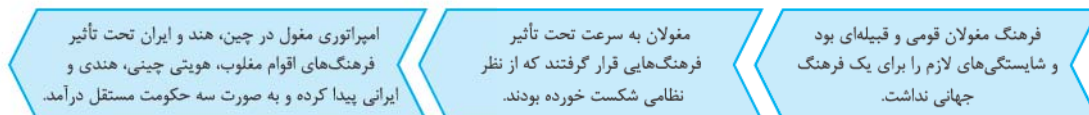
مثال چین، هند و ایران در مقابل مغولان

توضیح آن‌که مغولان با قدرت نظامی خود مناطق وسیعی از جهان را تصرف کردند ولی فرهنگ آنان، قومی و قبیله‌ای بود و شایستگی‌های لازم برای یک فرهنگ جهانی را نداشت آنان به سرعت تحت تأثیر فرهنگ‌هایی قرار گرفتند که از نظر نظامی شکست خورده بودند به همین دلیل امپراتوری مغول در چین، هند و ایران تحت تأثیر فرهنگ‌های اقوام مغلوب، هویتی چینی، هندی و ایرانی پیدا کرد و به صورت سه حکومت مستقل درآمد.

چند نکته ۱) بنگر!



۲) دوباره بنگر!



این مورد مثالی از حالت دومی است که در نکته (۱) آوردیم.

۳) **با پاشنی یادآوری** در درس ۱۳ پارسال خواندیم که «بخش‌های مختلف جهان اسلام و از جمله ایران در تاریخ اسلامی خود با هجوم نظامی و سیاسی اقوام مختلف مواجه شده است. جهان اسلام طی سده‌های مختلف یا مانند آن‌چه در جنگ‌های صلیبی گذشت به دفع مهاجمان پرداخت یا مانند آن‌چه در حمله مغول رخ داد مهاجمان را درون خود جذب و هضم کرد.» به عبارت بهتر (نزدیک‌تر به این درس) در جنگ‌های صلیبی مسلمانان استقلال سیاسی خود را به دست آوردند و در مقابله با مغولان آن‌ها را جذب کردند (که این‌ها هم گفتیم). ۴) **محراب الجاتیو و سکه‌های منقش به آیات قرآن** بازمانده از حکومت مغولان نشان‌دهنده فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی است که فرهنگ مغولان را درون خود هضم کرده و باعث مسلمان‌شدن پادشاه مغولی شده است.

یادآوری ۱) جهان‌گشایی‌های ایرانیان باستان باعث جهانی‌شدن فرهنگشان نشد اما زبان فارسی به دلیل مشارکت فعال ایرانیان در حیات فکری جهان اسلام از محدوده زبان سیاسی مشترک اقوام ایرانی فراتر رفت و به عنوان زبان دوم جهان اسلام مطرح شد. (درس ۱۳ جامعه‌شناسی (۱))

۲) مشابهی که در خصوص حمله نظامی مغولان مطرح شد را به صورت کلی‌تر در کتاب دهم در ارتباط با چگونگی مواجهه بخش‌های مختلف جهان اسلام (از جمله ایران) با هجوم نظامی و سیاسی اقوام مختلف خواندیم: «جهان اسلام طی سده‌های مختلف یا مانند آن‌چه در جنگ‌های صلیبی گذشت به دفع مهاجمان پرداخت یا مانند آن‌چه در حمله مغول رخ داد مهاجمان را درون خود جذب و هضم کرد.» (درس ۱۳ جامعه‌شناسی (۱))

چند نکته ۱) جهان‌گشایی مترادف جهانی‌شدن نیست؛ مثلاً: جهان‌گشایی ایرانیان باستان و مغولان به جهانی‌شدن آن‌ها منجر نشد.
۲) نمادهای فرهنگ‌ها به دلیل این‌که جزء سطحی‌ترین عناصر هر فرهنگ قرار می‌گیرند به دنبال حمله نظامی به سادگی دستخوش تغییر شده و یا نابود می‌شوند (مانند مسجد جامع النوری و مناره الحدباء (نماد شهر موصل)) که توسط داعش منهدم شدند و حتی ممکن است تصاحب شوند (مانند مسجدالاقصی و قبةالصخره که جزئی از فرهنگ اسرائیل از سوی اسرائیلیان دانسته می‌شود و بیت‌المقدس را پایتخت تاریخی و همیشگی خود می‌دانند).

فرهنگ غرب و سلطه

در درس ششم جامعه‌شناسی دهم (وبر عزیز) فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان متجدد را بررسی کردیم. جهان متجدد، غرب بعد از رنسانس، یعنی غرب چهارصد سال اخیر است. دو مورد از فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که وبر برای جهان متجدد برشمرده است؛ یعنی «رویکرد دنیوی و این جهانی» و «میل افراد به تسلط بر این جهان» در این‌جا مهم است. اثرات این دو ویژگی را در شکل‌گیری فرهنگ‌های سلطه می‌بینیم. در کنار مفهوم «جهان متجدد»، «فرهنگ غرب» اصطلاح دیگری است که به نظر به گوش‌آشناتر می‌آید. راستی غرب دقیقاً کجاست؟ عناصر فرهنگ غرب کدام‌ها هستند؟ درس پاسخی برای این سؤالات مهم ندارد و یک‌راست به سراغ اشکالی از سلطه رفته که این فرهنگ به وجود آورده است. اروپا در پنج قرن اخیر، کانون شکل‌گیری فرهنگ جدیدی است که آن را به نام فرهنگ غرب می‌شناسیم. فرهنگ غرب در این مدت، اشکال مختلفی از سلطه را پدید آورده که از آن با نام‌هایی مانند امپریالیسم و استعمار یاد کرده‌اند. با توضیحاتی که دادم مشخص شد که جهان غرب در حقیقت ذیل جهان متجدد قرار می‌گیرد و جهان متجدد پدیده‌ای کلان‌تر است.

ابتدا به «امپریالیسم» و بعد از آن به «استعمار» می‌پردازیم.

بررسی این دو بخش در قالب دو جدول انجام می‌شود از الان گفته باشم که لطفاً - بلعیده - شود!

امپریالیسم

ایضاح مفهومی^۱ واژه امپریالیسم از امپراتوری گرفته شده است و به هر نوع سلطه‌ای گفته می‌شود.

انواع امپریالیسم	علت پیدایش	مثال‌ها
۱) سیاسی	از طریق اشغال نظامی جوامع ضعیف شکل می‌گیرد.	اشغال نظامی ایران در جنگ جهانی دوم
۲) اقتصادی	در جایی رخ می‌دهد که قدرت اقتصادی یک کشور، بازارها و مواد خام کشور دیگر را تصرف می‌کند.	سلطه اقتصادی انگلستان بر هند که از طریق کمپانی هند شرقی انجام می‌شد.
۳) فرهنگی	هنگامی رخ می‌دهد که: ۱) مقاومت فرهنگی منطقه‌ای که تحت تصرف اقتصادی یا نظامی جامعه‌ای دیگر قرار گرفته است فروریزد. ۲) قوم مغلوب، برتری فرهنگی جامعه سلطه را نیز بپذیرد.	در قرن هجدهم کشور استرالیا تحت تسلط انگلستان درآمد. تا پیش از آن این کشور با فرهنگی بومی همراه بود. هم‌پیمان هم ملکه انگلستان است که با وجود استقلال استرالیا، فرماندار کل آن را به صورت تشریفاتی انتخاب می‌کند.

چند نکته ۱) امپریالیسم فرهنگی پس از امپریالیسم اقتصادی و سیاسی شکل می‌گیرد و مقدمه امپریالیسم فرهنگی، تسلط سیاسی یا اقتصادی است.
۲) این اصطلاحات مربوط به جهان متجدد است و برای جهان پیشامدرن نمی‌توان امپریالیسم سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی در نظر گرفت.

استعمار

در درس پنجم کتاب دهم خواندیم که «نظریه استعمار در گذشته به معنای طلب عمران و آبادانی برای جوامع عقب‌مانده بود اما انسان امروزی براساس تجربیات واقعی، استعمار را به معنی استثمار درمی‌یابد.» کتاب سعی کرده در این‌جا توضیحات مبسوط‌تری را ارائه دهد.



در استعمار تلاش استعمارگران بهره‌گیری از تمام منابع و امکانات کشور مستعمره است و به این منظور از هر وسیله‌ای استفاده می‌شود.

۱- کمی عمیق‌تر راستش را بخواهید اساساً مفهوم امپریالیسم مفهومی است که در اقتصاد سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ابتدای قرن بیستم این مفهوم برای مقابله با توسعه غیرمنتظره اقتصاد جهانی سرمایه‌داری ابداع شد. این را فقط برای این آوردم که بدانم مفهوم امپریالیسم به این سادگی‌ها که کتاب بیان کرده، نیست.

نکته مقدماتاً این پیژنی را که نوشتیم به ذهن بسپار!

امپراتوری	امپریالیسم	استعمار
جهان‌گشایی + کشورگشایی + قدرت نظامی + حضور مستقیم سربازان پیروز	هر نوع سلطه	اشغال یک سرزمین خارجی با توسل به قدرت نظامی و سیاسی (البته در ادامه متوجه می‌شوی که این تعریف جامع نیست.)

مفهوم استعمار

به اشغال یک سرزمین خارجی با توسل به قدرت نظامی و سیاسی دلالت می‌کند. کشور فاتح را دولت استعماری و کشور به بند کشیده‌شده را مستعمره می‌نامند.



استعمار نوعی از جهان‌گشایی و امپراتوری است که از قرن پانزدهم به بعد توسط اروپاییان آغاز شد و در قرن نوزدهم به اوج رسید. نکته تا اینجا مشخص شد که رابطه میان استعمار و امپراتوری چگونه است.

توجه کن که این مطلب با حرف پند صفحه پیش کتاب درسی پندان نمی‌خواند (مگر این‌که منظور از استعمار در این‌جا را تنها استعمار قدیم بدانیم چرا که امپراتوری طبق نظر خود کتاب مربوط به دوران پیشامدرن است؛ اما استعمار انواع نو و فرانو هم دارد! پس نمی‌تواند زیرمجموعه امپراتوری باشد) بگذریم ... این پند مطلب را هم به ذهن بسپار؛

- در قرن نوزدهم تصرفات اروپاییان از ۳۵٪ کره زمین به ۶۷٪ رسید.
- عوامل موفقیت استعمار در قرون ۱۵ تا ۱۹ میلادی: پیشرفت در زمینه دریانوردی، فنون نظامی و اقتصاد صنعتی
- در استعمار قدیم استعمارگران حضور مستقیم و آشکار داشتند.

اشکال جدید سلطه جهان غرب بر کشورهای دیگر

بدان و آگاه باش که سلطه جهان غرب بر کشورهای دیگر ابتدا نظامی بود اما تدریجاً صور دیگری پیدا کرد.

استعمار نو

تاریخ تولد: پس از شکل‌گیری جنبش‌های استقلال‌طلبانه کشورهای مستعمره طی قرن بیستم به وجود آمد. ابزار کشور استعمارگر برای نیل به اهداف استعماری: ۱) با استفاده از ظرفیت‌هایی که در دوره استعمار نظامی و سیاسی ایجاد کرده‌اند از مجریان بومی و داخلی کشورهای مستعمره برای نیل به اهداف استعماری خود استفاده می‌کنند.

۲) در استعمار نو، کشور استعمارگر با اتکا به (۱) به قدرت اقتصادی خود و (۲) استفاده از نهادها و سازمان‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی و هم‌چنین (۳) از طریق دولت‌های دست‌نشانده کنترل بازار و سیاست کشورهای دیگر را در اختیار می‌گیرد.

۳) هم‌چنین دولت‌های استعمارگر برای به قدرت رسیدن نیروهای وابسته از کودتای نظامی نیز استفاده می‌کنند.

نمونه‌ها موفق: ۱) کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ رضاخان و ۲) کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ محمدرضاشاه شکست‌خورده: کودتای آمریکایی - انگلیسی نوژه که به قصد ضربه‌زدن به انقلاب اسلامی ایران طراحی شده بود.

در استعمار نو، استعمارگران پنهان و مجریان آشکارند.

استعمار فرانو

جهان غرب در استعمار فرانو، هویت فرهنگی دیگر کشورها را هدف قرار می‌دهد؛ یعنی به عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگ‌های دیگر هجوم می‌برد و به جای آن عقاید و ارزش‌های فرهنگ غرب را تبلیغ و ترویج می‌کند.

- مردمی که برتری مطلق فرهنگی و معرفتی جهان غرب را پذیرفته باشند، هویت خود را در حاشیه جهان غرب جست‌وجو می‌کنند و مسیری را که جهان غرب برای آنان ترسیم می‌کند دنبال می‌کنند.

ابزارهای کشورها در استعمار فرانو: در این مرحله بیش از آن‌که از ابزارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی استفاده شود، ابزارها و ظرفیت‌های فرهنگی و علمی به ویژه رسانه‌ها و فناوری اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- در استعمار فرانو استعمارگران و مجریان هر دو پنهان‌اند.

چند نکته ۱) پیش از آن‌که هندوستان مستعمره انگلستان شود، زبان انگلیسی دومین زبان رسمی و زبان فرهنگی و علمی این کشور بود؛ اما در سال ۱۸۳۶ انگلیسی‌ها، زبان انگلیسی را به جای فارسی، زبان رسمی هند کردند. این خود نشان از تلاش انگلستان برای تسلط فرهنگی بر هند دارد.

۲ با مفهوم نسل‌کشی در سال گذشته آشنا شدی و این هملات که الان می‌بینی دقیقاً در کتاب پارسال هم بود. هرگونه اقدام به نابودی و حذف فیزیکی کل یا بخشی از جمعیت یک گروه بومی، قومی، مذهبی و ... را نسل‌کشی یا پاک‌سازی نسلی می‌گویند. اروپاییان در هجوم به قاره آمریکا برای تأمین سلطه خود به نسل‌کشی و از بین بردن ساکنان بومی پرداختند. آن‌ها در یک دوره پنجاه‌ساله، ۱۵ میلیون سرخ‌پوست را نابود کردند و مناطقی نظیر هائیتی، کوبا، نیکاراگوئه و سواحل ونزولا را که تراکم جمعیتی بالایی داشتند از جمعیت خالی کردند.

بنای یادبود نوارت برده در امتداد پارک بزرگان در غرب کشور بنین که یادآور آفریقایی‌هایی است که در قرن ۱۶ تا ۱۹ میلادی ربوده و به غرب فروخته می‌شدند.



چند نکته ۱) استعمار قدیم متناظر است با امپریالیسم سیاسی و استعمار نو متناظر است با امپریالیسم اقتصادی و استعمار فرانو متناظر است با



امپریالیسم فرهنگی. البته توجه داشته باش که در تمام این‌ها، امپریالیسم بر مفهومی وسیع‌تر دلالت می‌کند، پس:

۲) مقایسه استعمارهای قدیم، نو و فرانو: (به صورت افقی جدول‌ها را تکی در مقایسه با هم بفوان) لطفاً - بلعیده - شود!

استعمار قدیم	استعمار نو	استعمار فرانو
استعمارگران حضور مستقیم و آشکار دارند (از مجریان استفاده نمی‌کنند چون خودشان عمل می‌کنند).	استعمارگران پنهان و مجریان آشکارند (پس استعمارگران و مجریان به صورت مجزا به دنبال غلبه هستند).	استعمارگران و مجریان هر دو پنهان‌اند (استعمارگران و مجریان به صورت مجزا به دنبال غلبه هستند).
ابزار: قوای نظامی و حمله مستقیم به کشور مستعمره	ابزار: مجریان بومی و داخلی کشورهای مستعمره + کودتای نظامی + نهادها و سازمان‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی + دولت‌های دست‌نشانده	ابزار: ظرفیت‌های فرهنگی و محلی به ویژه رسانه‌ها و فناوری اطلاعات
هدف: کسب قدرت نظامی (بیشتر مبنای نظامی دارد).	هدف: به قدرت‌رساندن نیروهای وابسته، کنترل بازار و سیاست کشورها (بیشتر مبنای اقتصادی دارد).	هدف: ترویج عقاید و ارزش‌های فرهنگ غرب + وادارکردن سایر هویت‌ها برای جست‌وجوی خود ذیل جهان غرب (بیشتر مبنای فرهنگی دارد).

۳ وجه غالب هر مرحله در مراحل گسترش سلطه غرب عبارت است از حضور آشکار استعمارگران (در مورد استعمار قدیم)، حضور غیرآشکار استعمارگران (در مورد استعمار نو)، حضور پنهان استعمارگران و مجریان (در مورد استعمار فرانو) به همراه استفاده از ابزارهای متفاوت در هر مرحله که توضیح دادم.

۴ گفتم که تعریف ابتدایی کتاب از استعمار جامع نیست. علت آن این است که این تعریف بیشتر به استعمار قدیم دلالت می‌کند تا انواع جدیدتر آن.

۵ استعمار نو و فرانو اشکال جدید سلطه غرب هستند.

۶ با یاشنی کمی عمیق‌تر در استعمار فرانو اصطلاح «جهانی‌شدن» مطرح شده است که توضیح مختصری در مورد آن می‌دهم. (منبع من برای این توضیحات کتاب جامعه‌شناسی گیدنز ترجمه دکتر هوشنگ نایی است که نشر نی به چاپ رسانده.)

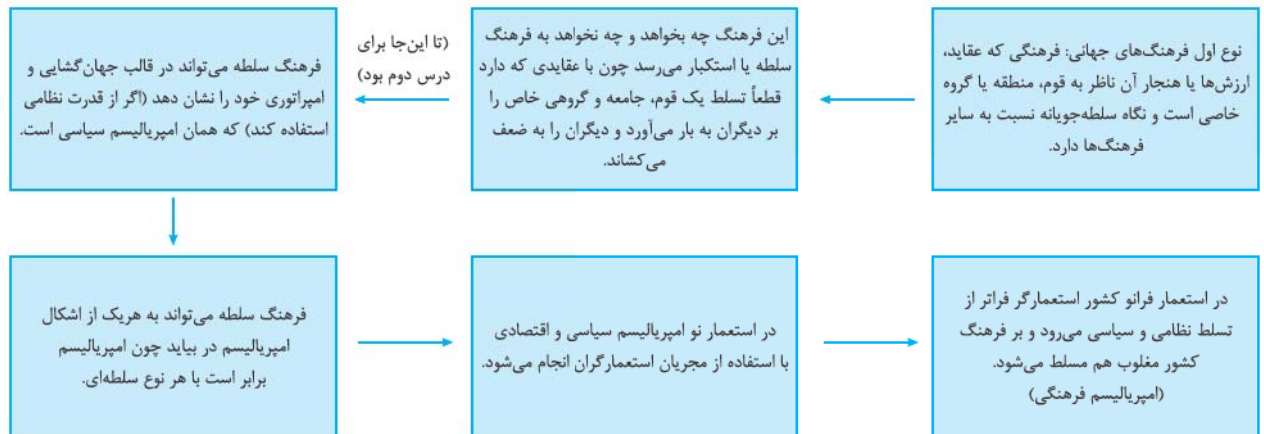
جهانی‌شدن به این مفهوم دلالت می‌کند که امروزه همه ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که بیش از پیش به یکدیگر وابسته شده‌ایم. جهانی‌شدن فرایندی منحصر به دنیای معاصر نیست اما صحبت در مباحث جهانی‌شدن بر سر آهنگ تند و شدت جهانی‌شدن در سه دهه گذشته است. جهانی‌شدن ارتباط قوی با توسعه تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات دارد. تغییر به علت دیدگاه جهانی دو بعد مهم دارد: اول مردم به طور فزاینده‌ای پی بردند که مسئولیت اجتماعی به مرزهای ملی ختم نمی‌شود و آن‌ها را درمی‌نوردد و دوم این‌که دیدگاه جهانی حس هویت ملی بسیاری از مردم را به تدریج تضعیف می‌کند و هویت فرهنگی محلی در زمانه‌ای که هویت سنتی حکومت ملی دچار دگرگونی کامل است سخت احیا می‌شود.

به عنوان مثال در اروپا ساکنان اسکانلند و منطقه باسک اسپانیا خود را بیشتر اسکانلندی یا باسکی یا فقط اروپایی می‌دانند تا بریتانیایی یا اسپانیایی. حکومت ملی به مثابه منبع هویت‌یابی رنگ می‌بازد. چه تغییرات سیاسی در سطح منطقه‌ای و جهانی گرایش مردم به دولتشان را تضعیف می‌کند.

توضیحات اضافه کافی است. برسیم به یک نکته بسیار مهم!

استعمار فرانو، گسترش و سلطه فرهنگ غرب بر همه جهان و غربی کردن جهان را در پوشش نام «جهانی‌شدن» پیگیری می‌کند. یعنی غرب برای آن‌که بتواند بر همه جهان تسلط پیدا کند اقدامات خود را تحت پوشش مفهوم جهانی‌شدن می‌برد. به این مفهوم که جهانی‌شدن سرنوشت ممتوم تمامی جهان‌ها است و همه آن‌ها نهایتاً بایستی به فرهنگ غرب بپیوندند.

لطفاً مسیر بحث مثبت‌گویی رفقا نشود. بنگر!



چند نکته ۱ تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی و ناتوی فرهنگی، هر سه به استعمار فرانو اشاره می‌کنند. بر این اساس ملت‌ها سعی می‌کنند بدون درگیری نظامی با تحت تأثیر قراردادن فرهنگ یک ملت به اهداف خود برسند. به همین علت است که از این اصطلاحات گاه تحت عنوان جنگ نرم یاد می‌کنند.

۲ در بررسی مراحل گسترش سلطه غرب و وجه غالب هر مرحله متوجه می‌شویم که وجه غالب هر مرحله در هر مرحله دیگر وجود دارد. مخصوصاً به دلیل استفاده از ابزارها در هر مرحله، غرب برای پیشبرد اهداف استعماری خود در هر مرحله از ابزارهایی که در مرحله قبلی استفاده می‌کرده هم بهره می‌گیرد. هنوزم که هنوز است رخ‌نمایی‌های تسلیحاتی پشتوانه مهمی برای ادامه استعمار نو است. **۳** در استعمار نو بسیاری از ظرفیت‌های اقتصادی کشورهای استعمارشده نابود می‌شود (می‌توان از تأسیس شرکت‌هایی چون نستله یا کوکاکولا در کشورهایمانند الجزایر و هند یاد کرد).

شماره پنجم

قلمی‌طور

- ۱) جامعه تغلب (مردم برای غلبه‌یافتن بر سایر ملت‌ها با یکدیگر همکاری می‌کنند) و مدینه فاسقه (عقاید و ارزش‌ها حق اما هنجارها ناحق)
- ۲) فرهنگ سلطه و استکبار با امپراتوری و جهان‌گشایی (اولی عام‌تر از دومی است).
- ۳) امپریالیسم و استعمار (امپریالیسم هم نوعی سلطه است اما استعمار به اشغال یک سرزمین خارجی با توسل به قدرت نظامی و سیاسی دلالت می‌کند).
- ۴) انواع امپریالیسم (سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) با همدیگر (عین باقولا در درس‌نامه توضیح داده‌ام. 😊)
- ۵) انواع امپریالیسم با انواع استعمار (به صورت کلی امپریالیسم مفهومی عام‌تر از استعمار است که در تناظر یک‌به‌یک انواع امپریالیسم و استعمار نیز این موضوع مطرح است).
- ۶) انواع استعمار (قدیم، نو، فرانو) با همدیگر (اهداف و ابزارها و مفهوم متفاوتی دارند).
- ۷) استعمار و جهان‌گشایی (استعمار نوعی جهان‌گشایی است).

معاذله‌طور

- ۱) فرهنگ‌های جهانی = فرهنگ سلطه و استکبار (رابطه عموم و خصوص مطلق دارند نه تساوی، اولی عام‌تر است).
- ۲) فرهنگ سلطه و استکبار = امپراتوری و جهان‌گشایی (رابطه عموم و خصوص مطلق دارند نه تساوی، اولی عام‌تر است).

۳ امپریالیسم = هر نوع سلطه

۴ امپریالیسم سیاسی = امپریالیسم شکل‌گرفته از طریق اشغال نظامی جوامع ضعیف

امپریالیسم اقتصادی = امپریالیسم شکل‌گرفته از طریق تصرف بازارها و مواد خام کشور دیگر

امپریالیسم فرهنگی = امپریالیسم شکل‌گرفته از طریق غلبهٔ فرهنگی بر یک قوم

۵ استعمار = اشغال یک سرزمین خارجی با توسل به قدرت نظامی و سیاسی

۶ آغاز استعمار = قرن پانزدهم / اوج استعمار = قرن نوزدهم

۷ اشکال جدید سلطهٔ غرب = استعمار نو و فرانوا

۸ استعمار نو = در اختیار گرفتن کنترل بازار و سیاست کشورهای دیگر با استفاده از کودتای نظامی و مجریان بومی کشورهای مستعمره

انواع موفق استعمار نو = کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ / نمونهٔ ناموفق استعمار نو = کودتای نوزه

۹ استعمار فرانوا = هجوم به عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگ دیگر و ترویج عقاید و ارزش‌های فرهنگ غرب = تهاجم فرهنگی = شبیخون

فرهنگی = ناتوی فرهنگی

۱۰ جهان غرب در استعمار نو هویت فرهنگی دیگر کشورها را هدف قرار می‌دهد = به عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگ‌های دیگر هجوم

می‌برد و به جای آن عقاید و ارزش‌های فرهنگ غرب را تبلیغ و ترویج می‌کند.

۱۱ استعمار قدیم = امپریالیسم سیاسی / استعمار نو = امپریالیسم اقتصادی / استعمار فرانوا = امپریالیسم فرهنگی

۱۲ جهان‌گشایی = امپراتوری = شاهنشاهی

۱۳ فرهنگ غرب = فرهنگ اروپای پنج قرن اخیر

۱۴ جهانی‌شدن = مفهومی که استعمار فرانوا گسترش و سلطهٔ فرهنگ غرب بر همهٔ جهان و غربی‌کردن جهان را در پوشش آن پیگیری می‌کند.

۱۵ وجه غالب مرحلهٔ استعمار قدیم = استفاده از حملهٔ نظامی و حضور مستقیم استعمارگر + عدم استفادهٔ استعمارگر از مجریان

وجه غالب مرحلهٔ استعمار نو = استفاده از ظرفیت‌های ایجادشده در دورهٔ استعمار و مجریان بومی و داخلی کشورهای مستعمره + حضور

آشکار مجریان و پنهان‌بودن استعمارگران

وجه غالب مرحلهٔ استعمار فرانوا = استفاده از ابزارها و ظرفیت‌های فرهنگی و علمی به ویژه رسانه‌ها و فناوری اطلاعات + پنهان‌بودن

مجریان و استعمارگران

نمونه‌های فرهنگ جهانی (۱)

تست‌های این درس زیاد نیست ولی فوب تست‌هایی هستند. تازه اصلاً می‌فواهم با کُلور شروع کنم. ببینی بعضی تست‌ها خیلی هم سفت نیستند.

(سراسری ۹۳؛ با تغییر)

۷۰- به ترتیب ویژگی «امپریالیسم فرهنگی» و «استعمار نو» کدام است؟

(۱) هنگامی رخ می‌دهد که مقاومت فرهنگی منطقه‌ای که تحت تصرف اقتصادی یا نظامی جامعه‌ای دیگر قرار گرفته است، فروریزد - برای حفظ سلطه جهان غرب از ابزارها و ظرفیت‌های فرهنگی بهره می‌برد.

(۲) در جایی رخ می‌دهد که قدرت اقتصادی یک کشور، بازارها و مواد خام کشور دیگر را تصرف می‌کند - از نهادها و سازمان‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی بهره می‌برد.

(۳) با استفاده از ظرفیت‌های ایجاد شده در دوره استعمار نظامی و سیاسی محقق می‌شود - با اتکا به قدرت اقتصادی و فرهنگی خود، سیاست کشورهای دیگر را در اختیار می‌گیرد.

(۴) از شرایط تحقق آن، برتری فرهنگی جامعه مسلط است - با روش و سازوکارهایی، کنترل بازار و سیاست کشورهای دیگر را در اختیار می‌گیرد.

۷۱- هر یک از عبارات زیر ناظر بر کدام مفاهیم است؟

(الف) به هر نوع سلطه‌ای اطلاق می‌شود.

(ب) با قدرت نظامی و حضور مستقیم سربازان پیروز شکل می‌گیرد.

(پ) محصول فرهنگ غرب در پنج قرن اخیر است.

(ت) بر اشغال یک سرزمین خارجی، با توسل به قدرت نظامی و سیاسی دلالت می‌کند.

(۱) امپریالیسم - شاهنشاهی - امپریالیسم - امپریالیسم

(۲) امپریالیسم - امپراتوری - استعمار - استعمار

(۳) استعمار - امپراتوری - امپریالیسم - استعمار

۷۲- پیرامون استعمار، به ترتیب «آغازگران»، «زمان آغاز» و «اوج»، آن، در کدام گزینه به درستی آمده است؟

(۱) اروپاییان - قرن پانزدهم - قرن نوزدهم

(۲) اروپاییان - قرن شانزدهم - قرن نوزدهم

(۳) آمریکایی‌ها - قرن شانزدهم - قرن بیستم

(۴) آمریکایی‌ها - قرن پانزدهم - قرن بیستم

۷۳- متن زیر از تاریخ جهانگشای جوبینی، با کدام گزینه مرتبط است؟

«در نتیجه تهاجم مغول، شهری که چشم و چراغ تمام ماوراءالنهر و مکان اجتماع فضلا و دانشمندان بود، آن چنان ویران گردید که فراریان معدود این شهر جز جامه‌ای که بر تن داشتند چیزی دیگر نتوانستند با خود برند. یکی از اهالی بخارا که پس از آن واقعه جان سالم به در برده به خراسان گریخته بود؛ چون حال بخارا را از او پرسیدند، جواب داد: «آمدند و کُندند و سوختند و کشتند و بردند و رفتند.»»

(۱) جهان‌گشایی و امپراتوری، اغلب با کشتارها و خسارت‌های انسانی و اقتصادی فراوان همراه است.

(۲) مغولان به سرعت تحت تأثیر فرهنگ‌هایی قرار گرفتند که از نظر نظامی شکست خورده بودند.

(۳) قومی که در اثر تهاجم نظامی شکست می‌خورد، در صورتی که هویت فرهنگی خود را حفظ کند، می‌تواند استقلال سیاسی خود را به دست آورد.

(۴) قومی که در اثر تهاجم نظامی شکست می‌خورد، اگر فرهنگی غنی و قوی داشته باشد، می‌تواند گروه مهاجم را درون خود هضم نماید.

۷۴- به ترتیب هدف استعمارگران در استعمار قدیم، نو و فرانو چیست؟

(۱) پیشرفت‌های نظامی، اقتصادی و صنعتی - کنترل نهادها و سازمان‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی - ایجاد دولت‌های دست‌نشانده

(۲) اشغال سرزمین‌های خارجی - کنترل بازار و سیاست کشورهای دیگر - تبلیغ و ترویج عقاید و ارزش‌های فرهنگ غرب به جای عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگ‌های دیگر

(۳) پیشرفت‌های نظامی، اقتصادی و صنعتی - کنترل بازار و سیاست کشورهای دیگر - ایجاد دولت‌های دست‌نشانده

(۴) اشغال سرزمین خارجی - کنترل نهادها و سازمان‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی - تبلیغ و ترویج عقاید و ارزش‌های فرهنگ غرب به جای عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگ‌های دیگر

۷۵- در چه صورتی مردم هویت خود را در حاشیه جهان غرب جست‌وجو کرده و مسیری را که جهان غرب برای آنان ترسیم می‌کند، دنبال می‌کنند و استعمار فرانو، چه فرایندی را در پوشش نام «جهانی‌شدن» پیگیری می‌کند؟

(۱) در صورتی که کنترل بازار و سیاست خود را از دست داده و به قدرت اقتصادی خود تکیه نکنند - گسترش و سلطه فرهنگ غرب بر همه جهان و غربی کردن جهان

(۲) در صورتی که کنترل بازار و سیاست خود را از دست داده و به قدرت اقتصادی خود تکیه نکنند - سرکوبی جنبش‌های استقلال طلبانه کشورهای مستعمره و ایجاد ظرفیت‌های نظامی و سیاسی فرهنگی و علمی در کشورهای مذکور

(۳) در صورتی که برتری مطلق فرهنگی و معرفتی جهان غرب را پذیرفته باشند - گسترش و سلطه فرهنگ غرب بر همه جهان و غربی کردن جهان

(۴) در صورتی که برتری مطلق فرهنگی و معرفتی جهان غرب را پذیرفته باشند - سرکوبی جنبش‌های استقلال طلبانه کشورهای مستعمره و ایجاد ظرفیت‌های نظامی و سیاسی و فرهنگی و علمی در کشورهای مذکور

۷۶- براساس دیدگاه ابونصر محمد فارابی، «مردم چه هنگامی برای غلبه یافتن و چیره شدن بر سایر ملت‌ها، با یکدیگر همکاری می‌کنند»، «هدف مردم از این همکاری چیست؟» و «علت خودداری ایشان از چیرگی بر یکدیگر چیست؟»

۱) هنگامی که سایر ملت‌ها از انسجام و همکاری لازم برای سازمان‌دهی و مدیریت لازم نیازهای بنیادین خود برخوردار نباشند - می‌خواهند ملت مقهور، نه مالک جان خود باشد و نه مال خود و نه هیچ چیز دیگر - نیازمندی مردم جامعه به یکدیگر برای بقای خود و برای غلبه بر اقوام دیگر و برای ممانعت از غلبه اقوام دیگر.

۲) هنگامی که همه مردم، شیفته غلبه بر اقوام و ملل دیگر شوند - خوار و مقهور کردن دیگران - نیازهای مردم جامعه به یکدیگر برای بقای خود و برای غلبه بر اقوام دیگر و برای ممانعت از غلبه اقوام دیگر.

۳) هنگامی که همه مردم، شیفته غلبه بر اقوام و ملل دیگر شوند - می‌خواهند ملت مقهور، نه مالک جان خود باشد و نه مال خود و نه هیچ چیز دیگر - نهادینگی ارزش‌هایی چون تعهد و مسئولیت در فرهنگ جامعه و وجود پیوستگی‌های قوی قومی و نژادی

۴) هنگامی که سایر ملت‌ها از انسجام و همکاری لازم برای سازمان‌دهی و مدیریت لازم نیازهای بنیادین خود برخوردار نباشند - بسط عقاید و ارزش‌های بنیادین و پاسخ به پرسش‌های اساسی خود درباره انسان و جهان - نهادینگی ارزش‌هایی چون تعهد و مسئولیت در فرهنگ جامعه و وجود پیوستگی‌های قوی قومی و نژادی

۷۷- ویژگی‌های ذکرشده در کدام گزینه درباره مردم جامعه تغلب درست نیست؟

۱) جامعه تغلب می‌تواند از محدوده مرزهای جغرافیایی و قومی خود فراتر رفته و در راه جهانی شدن قدم بگذرد - عقایدی که درباره انسان و جهان دارند، قابل دفاع نیست و براساس خرافات شکل گرفته است.

۲) گمان می‌برند که ملت‌های دیگر نتوانسته‌اند به موقعیتی که آنان به دست آورده‌اند، برسند و اصولاً ملل دیگر چنین سعادت را نمی‌شناسند - گمان می‌برند تنها آنان هستند که خوشبخت، پیروز و مورد رشک دیگران‌اند و به دنبال آن هستند که مردم جوامع دیگر را نیز به چنین موقعیتی برسانند.

۳) مردم جوامع دیگر به نظر آنان خوار و بی‌ارزش شمرده می‌شوند - از ویژگی‌های فرهنگ جهانی مطلوب بی‌بهره‌اند.

۴) همواره می‌خواهند دیگران آنان را ستایش کرده و چاپلوسی نمایند - دوست دارند بر یکایک مردم جامعه خود نیز چیره شوند.

۷۸- به ترتیب کودتای «انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ رضاخان»، «۲۸ مرداد ۱۳۳۲ محمدرضاشاه» و «نوزه» از حیث توفیق یا عدم توفیق در چه وضعیتی قرار می‌گیرند؟

۱) موفق - شکست‌خورده - شکست‌خورده
۲) موفق - موفق - موفق
۳) شکست‌خورده - شکست‌خورده - موفق
۴) موفق - موفق - شکست‌خورده

۷۹- به ترتیب «کودتای نوزه»، «هجوم اروپاییان به قاره آمریکا» و «کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹» ناظر بر کدام یک از اشکال سلطه می‌باشد؟

۱) استعمار فرانو - استعمار نو - استعمار
۲) استعمار فرانو - استعمار نو - استعمار قدیم
۳) استعمار فرانو - استعمار فرانو - استعمار
۴) استعمار فرانو - استعمار فرانو - استعمار قدیم

۸۰- «تهاجم فرهنگی»، «شبیخون فرهنگی» و «نانوی فرهنگی» به ترتیب به کدام یک از مراحل استعمار مرتبط است؟

۱) استعمار نو - استعمار قدیم - استعمار
۲) استعمار فرانو - استعمار نو - استعمار فرانو
۳) استعمار فرانو - استعمار فرانو - استعمار قدیم
۴) استعمار فرانو - استعمار فرانو - استعمار نو

۸۱- «جامعه تغلب»، «استعمار» و «کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ رضاخان» به ترتیب نوعی از و می‌باشند.

۱) جامعه جاهلی - سلطه - کودتاهای استعمار فرانو
۲) مدینه فاسقه - سلطه - امپریالیسم فرهنگی
۳) مدینه فاسقه - سلطه - امپریالیسم فرهنگی
۴) جامعه جاهلی - جهان‌گشایی و امپراتوری - کودتاهای استعمار نو

یک ذره سفت تر ...

۸۲- گزاره‌های زیر را به ترتیب از نظر صحیح و غلط بودن، مشخص کنید.

الف) فرهنگ سلطه که نوعی از فرهنگ جهانی است با خروج از منطقه خاص خود به امپراتوری تبدیل می‌شود.
ب) زبان فارسی به دلیل مشارکت فعال ایرانیان در حیات فکری جهان اسلام از محدوده زبان سیاسی مشترک اقوام ایرانی فراتر رفت و این جهان‌گشایی به جهانی شدن فرهنگشان منجر شد.

پ) تمامی امپراتورها فرهنگ استکبار هستند.
ت) حمله مغولان به ایران را می‌توانیم نمونه‌ای از امپریالیسم سیاسی بدانیم.

۱) ص - غ - ص - ص
۲) ص - ص - غ - غ
۳) غ - غ - ص - ص
۴) غ - غ - ص - ص

۸۳- در پی جهان‌گشایی و امپراتوری، کدام مورد «همواره» و کدام مورد «اغلب» ایجاد می‌شود؟

۱) حضور مستقیم قوم مهاجم در مناطق جغرافیایی مختلف - کشتارها و خسارت‌های انسانی و اقتصادی فراوان
۲) کشتارها و خسارت‌های انسانی و اقتصادی فراوان - حضور مستقیم قوم مهاجم در مناطق جغرافیایی مختلف
۳) غلبه فرهنگی گروه مهاجم - کشتارها و خسارت‌های انسانی و اقتصادی فراوان
۴) غلبه فرهنگی گروه مهاجم - حضور غیرمستقیم قوم مهاجم در مناطق جغرافیایی مختلف

۸۴- عبارت درست در رابطه با استعمار، استعمار نو و استعمار فرانو کدام است؟

- ۱) توسل به قدرت نظامی و سیاسی - استفاده از رسانه‌ها - استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی
 - ۲) شکل‌گیری طی قرن بیستم - کنترل بازار کشورهای دیگر - استفاده از کودتای نظامی
 - ۳) نوعی از امپراتوری - استفاده از نهادها و سازمان‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی - استفاده از فناوری اطلاعات
 - ۴) اطلاق به هر نوع سلطه‌ای - استفاده از مجریان بومی و داخلی کشورهای مستعمره - استفاده از ظرفیت‌های ایجاد شده در دوره تسلط نظامی و سیاسی خود.
- ۸۵- استعمار نو در چه بازه زمانی به وجود آمد و در این استعمار، کشورهای استعمارگر به ترتیب به چه منظوری از «مجریان بومی و داخلی کشورهای مستعمره» و «کودتای نظامی» استفاده می‌کنند؟

- ۱) پس از شکل‌گیری جنبش‌های استقلال طلبانه کشورهای مستعمره طی قرن بیستم - نیل به اهداف استعماری خود - به قدرت رساندن نیروهای وابسته
- ۲) پس از شکل‌گیری جنبش‌های استقلال طلبانه کشورهای مستعمره طی قرن بیستم - فراهم کردن زمینه لازم برای اشغال نظامی کشورهای مستعمره - به قدرت رساندن نیروهای وابسته
- ۳) مقارن با شکل‌گیری بزرگ‌ترین برده‌داری تاریخ بشریت در سده هفدهم و هجدهم - نیل به اهداف استعماری خود - از بین بردن ابزارها و ظرفیت‌های علمی و فرهنگی کشورهای مستعمره
- ۴) مقارن با شکل‌گیری بزرگ‌ترین برده‌داری تاریخ بشریت در سده هفدهم و هجدهم - فراهم کردن زمینه لازم برای اشغال نظامی کشورهای مستعمره - از بین بردن ابزارها و ظرفیت‌های علمی و فرهنگی کشورهای مستعمره

۸۶- وضعیت حضور استعمارگران و مجریان داخلی آن‌ها به ترتیب در استعمار «فرانو»، «نو» و «قدیم» چگونه است؟

- ۱) استعمارگران: پنهان و مجریان: پنهان، استعمارگران: مستقیم و آشکار و مجریان: پنهان و مجریان: مستقیم و آشکار
 - ۲) استعمارگران: پنهان و مجریان: آشکار، استعمارگران: پنهان و مجریان: پنهان، استعمارگران: مستقیم و آشکار و عدم به‌کارگیری مجریان داخلی
 - ۳) استعمارگران: مستقیم و آشکار و عدم به‌کارگیری مجریان داخلی، استعمارگران: پنهان و مجریان: آشکار، استعمارگران: پنهان و مجریان: پنهان
 - ۴) استعمارگران: پنهان و مجریان: پنهان، استعمارگران: آشکار، استعمارگران: مستقیم و آشکار و عدم به‌کارگیری مجریان داخلی
- ۸۷- در مراحل گسترش سلطه غرب، وجه غالب هر مرحله کدام است و آیا این وجه غالب در مرحله بعد وجود دارد؟

- ۱) حضور آشکار استعمارگران در استعمار قدیم، حضور غیر آشکار استعمارگران در استعمار نو و حضور پنهان استعمارگران و مجریان در استعمار فرانو - خیر
 - ۲) استفاده از ابزار حمله نظامی در استعمار قدیم، استفاده از ابزار کودتای نظامی در استعمار فرانو و استفاده از ابزارهای رسانه‌ای در استعمار نو - خیر
 - ۳) حضور آشکار استعمارگران در استعمار قدیم، حضور غیر آشکار استعمارگران در استعمار نو و حضور پنهان استعمارگران و مجریان در استعمار فرانو - بله
 - ۴) استفاده از ابزار حمله نظامی در استعمار قدیم، استفاده از ابزار کودتای نظامی در استعمار فرانو و استفاده از ابزارهای رسانه‌ای در استعمار نو - بله
- ۸۸- کدام گزینه ارتباط دقیق‌تری با متن زیر دارد؟

«محراب الجاتیو واقع در مسجد جامع اصفهان از بقایای حکومت ایلخانی (مغول) در ایران است. تزئینات این محراب هم‌چنان به عنوان یکی از زیباترین آثار معماری ایرانی - اسلامی در کشور محسوب می‌شود»

- ۱) در استعمار فرانو بیش از آن‌که از ابزارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی استفاده شود، ابزارها و ظرفیت‌های فرهنگی و علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد. معماری هر جامعه نیز به عنوان یک عنصر فرهنگی مورد توجه اندیشمندان در بررسی وضعیت کشورها در دوران استعمار است.
- ۲) اسلام در تقابل خود با نیروهای مهاجم (مانند نیروهای اروپایی در جنگ‌های صلیبی) اغلب به دفع آنان پرداخته است.
- ۳) غلبه نظامی همواره با غلبه فرهنگی همراه نیست؛ غلبه نظامی گرچه به حضور مستقیم قوم مهاجم در مناطق جغرافیایی مختلف منجر می‌شود، اما همیشه بسط فرهنگی آن‌ها را به دنبال نمی‌آورد.
- ۴) قومی که در اثر تهاجم نظامی شکست می‌خورد در صورتی که هویت فرهنگی خود را حفظ کند با ضعیف شدن تدریجی قدرت نظامی مهاجم می‌تواند استقلال سیاسی خود را به دست آورد.

پندتا ترکیبی را امتحان می‌کنیم ...

۸۹- به ترتیب هر یک از موارد زیر، ویژگی کدام نوع از جوامع است؟

«وابستگی نسبی هویت افراد به ثروت و توان اقتصادی»، «برخورداری از عقاید و ارزش‌های حق و هنجارها و رفتارهای ناحق»، «ارزیابی هویت افراد باتقوا، علم و عدالت» و «همکاری مردم برای غلبه یافتن و چیره شدن بر سایر ملت‌ها»

- ۱) صهیونیسم - تغلب - جهانی - فاسقه
- ۲) صهیونیسم - تغلب - اسلامی - فاسقه
- ۳) سرمایه‌داری - فاسقه - جهانی - تغلب
- ۴) سرمایه‌داری - فاسقه - اسلامی - تغلب

(ترکیبی با درس ۸ جامعه‌شناسی (۱) و درس ۲ جامعه‌شناسی (۲))

- (الف) بازبایی استقلال سیاسی قومی که در اثر تهاجم نظامی شکست می‌خورد.
 (ب) گسترش و تحقق عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول در فرهنگ جهانی
 (پ) هضم و به خدمت گرفتن گروه مهاجم توسط قومی که در اثر تهاجم نظامی شکست خورده است.
 (۱) عبور از مرزهای جغرافیایی و الحاق قوم شکست‌خورده به فرهنگ جهانی - پاسخ به پرسش‌های بنیادین انسان‌ها - برخورداری قوم شکست‌خورده از فرهنگی غنی و قوی
 (۲) عبور از مرزهای جغرافیایی و الحاق قوم شکست‌خورده به فرهنگ جهانی - پاسخ به پرسش‌های بنیادین انسان‌ها - بسط فرهنگی توأم با مقاومت نظامی قوم شکست‌خورده

- (۳) حفظ هویت فرهنگی قوم شکست‌خورده - ایجاد روح تعهد و مسئولیت در انسان‌ها - برخورداری قوم شکست‌خورده از فرهنگی غنی و قوی
 (۴) حفظ هویت فرهنگی قوم شکست‌خورده - ایجاد روح تعهد و مسئولیت در انسان‌ها - بسط فرهنگی توأم با مقاومت نظامی قوم شکست‌خورده

۹۱- این ویژگی‌ها به کدام فرهنگ یا جهان فرهنگی تعلق دارند؟

(ترکیبی با درس ۲ جامعه‌شناسی (۱) و درس ۲ جامعه‌شناسی (۲))

(الف) شکل‌گیری در پنج قرن اخیر

(ب) ایجاد امپراتوری‌های بزرگ در گذشته تاریخ

(ت) استضعاف سایرین

(پ) برخورداری از عقاید و ارزش‌های مشترک انسانی

(ث) شکل‌گیری در چهارصد سال اخیر

- (۱) فرهنگ غرب - فرهنگ استکبار - فرهنگ جهانی - فرهنگ سلطه - فرهنگ سلطه
 (۲) فرهنگ سلطه - فرهنگ غرب - فرهنگ جهانی - فرهنگ جهانی - جهان متجدد
 (۳) فرهنگ سلطه - فرهنگ غرب - فرهنگ مطلوب جهانی - فرهنگ جهانی - فرهنگ سلطه
 (۴) فرهنگ غرب - فرهنگ سلطه - فرهنگ مطلوب جهانی - فرهنگ استکبار - جهان متجدد

۹۲- به ترتیب هر یک از این موارد، از چه طریقی صورت می‌پذیرد؟

(الف) پاسداری از صلح جهانی در برابر جنگ و خشونت در فرهنگ جهانی

(ب) شکل‌گیری امپراتوری و شاهنشاهی

(پ) شکل‌گیری امپریالیسم سیاسی

(ت) کنترل بازار و سیاست کشورهای دیگر توسط کشور استعمارگر در استعمار نو

- (۱) پذیرش تفاوت‌ها در کنار شباهت‌ها - غلبه فرهنگی جامعه‌ای بر جامعه دیگر - تصرف بازارها و مواد خام کشور دیگر - دولت‌های دست‌نشانده
 (۲) نادیده‌گرفتن تفاوت‌ها در فرهنگ جهانی - کشورگشایی و جهان‌گشایی - اشغال نظامی جوامع ضعیف - ایراد خسارت‌های انسانی و اقتصادی به کشورهای مستعمره
 (۳) پذیرش تفاوت‌ها در کنار شباهت‌ها - کشورگشایی و جهان‌گشایی - اشغال نظامی جوامع ضعیف - دولت‌های دست‌نشانده
 (۴) نادیده‌گرفتن تفاوت‌ها در فرهنگ جهانی - غلبه فرهنگی جامعه‌ای بر جامعه دیگر - تصرف بازارها و مواد خام کشور دیگر - ایراد خسارت‌های انسانی و اقتصادی به کشورهای مستعمره

آماره برای Take Off ...

۹۳- به ترتیب نمونه‌های موضوعات ذکر شده در عبارات «قومی که در اثر تهاجم نظامی شکست می‌خورد، در صورتی که هویت خود را حفظ کند، با ضعیف‌شدن تدریجی قدرت نظامی مهاجم، می‌تواند استقلال سیاسی خود را به دست آورد» و «اگر جامعه‌ای فرهنگی غنی و قوی داشته باشد، می‌تواند گروه مهاجم را درون خود هضم نماید و آن را به خدمت گیرد.» در کدام گزینه آمده است؟

(۱) ایرانیان باستان فتوحاتی فراتر از مرزهای جغرافیایی خود داشتند اما جهان‌گشایی آنان به جهانی‌شدن فرهنگشان منجر نشد و اقوام مغلوب موفق به بازبایی استقلال خود شدند - فرهنگ مغولان شایستگی‌های لازم برای یک فرهنگ جهانی را نداشت و آنان به سرعت تحت تأثیر فرهنگ‌هایی قرار گرفتند که از نظر نظامی شکست خورده بود.

(۲) فرهنگ مغولان شایستگی‌های لازم برای یک فرهنگ جهانی را نداشت و آنان به سرعت تحت تأثیر فرهنگ‌هایی قرار گرفتند که از نظر نظامی شکست خورده بود - ایرانیان باستان فتوحاتی فراتر از مرزهای جغرافیایی خود داشتند اما جهان‌گشایی آنان به جهانی‌شدن فرهنگشان منجر نشد و اقوام مغلوب موفق به بازبایی استقلال خود شدند.

(۳) بخش‌های مختلف جهان اسلام در تاریخ اسلامی خود با هجوم نظامی و سیاسی اقوام مختلف مواجه شده است و طی سده‌های مختلف به دفع مهاجمان پرداخته است - مسلمانان در برهه‌ای از تاریخ برتری مطلق فرهنگی و معرفی جهان غرب را پذیرفتند و هویت خود را در حاشیه غرب جست‌وجو کردند.

(۴) مسلمانان در برهه‌ای از تاریخ، برتری مطلق فرهنگی و معرفی جهان غرب را پذیرفتند و هویت خود را در حاشیه غرب جست‌وجو کردند - بخش‌های مختلف جهان اسلام در تاریخ اسلامی خود با هجوم نظامی و سیاسی اقوام مختلف مواجه شده است و طی سده‌های مختلف به دفع مهاجمان پرداخته است.

۹۴- مصداق‌های (الف)، (ب) و (پ) به ترتیب کدام‌اند؟

امپریالیسم	
صورت	شرایط شکل‌گیری
(پ)	تصرف بازارها و مواد خام یک کشور توسط کشور دیگر
(ب)	اشغال نظامی جوامع ضعیف
فرهنگی	(الف)

- ۱) عدم هضم گروه مهاجم توسط قوم مغلوب در فرهنگ خود به رغم حفظ هویت فرهنگی - اقتصادی - سیاسی
- ۲) فروریختن مقاومت فرهنگی منطقه‌ای که تحت تصرف اقتصادی یا نظامی جامعه دیگر قرار گرفته است و پذیرش برتری فرهنگی جامعه مسلط توسط قوم مغلوب - اقتصادی - سیاسی
- ۳) فروریختن مقاومت فرهنگی منطقه‌ای که تحت تصرف اقتصادی یا نظامی جامعه دیگر قرار گرفته است و پذیرش برتری فرهنگی جامعه مسلط توسط قوم مغلوب - سیاسی - اقتصادی

۴) عدم هضم گروه مهاجم توسط قوم مغلوب در فرهنگ خود به رغم حفظ هویت فرهنگی - سیاسی - اقتصادی

۹۵- عامل یا علت هر یک از این موارد، به ترتیب کدام است؟

الف) زنده‌شدن حس خودخواهی در مردم جامعه تغلب
ب) موفقیت‌های استعمار در دوران اوج خود

پ) شکل‌گیری بزرگ‌ترین برده‌داری تاریخ بشریت در سده هفدهم و هجدهم

ت) در اختیار گرفتن کنترل بازار و سیاست کشورهای دیگر توسط غرب در استعمار نو

- ۱) عدم امکان چیرگی آن‌ها بر یکدیگر به علت مصالح و منافی که آن‌ها را از این امر منع می‌کند - افزایش منابع طبیعی - استعمار اروپایی - پذیرفته‌شدن برتری فرهنگی غرب
- ۲) تصور ایشان مبنی بر آن‌که تنها آنان هستند که خوشبخت، پیروز و مورد رشک دیگران‌اند و باید باشند و از همه جوامع دیگر برترند و خوار و بی‌ارزش شمردن مردم جوامع دیگر - پیشرفت در زمینه دریانوردی، فنون نظامی و اقتصاد صنعتی - استعمار اروپایی - اتکا به قدرت اقتصادی و استفاده از دول دست‌نشانده

- ۳) تصور ایشان مبنی بر آن‌که تنها آنان هستند که خوشبخت، پیروز و مورد رشک دیگران‌اند و باید باشند و از همه جوامع دیگر برترند و خوار و بی‌ارزش شمردن مردم جوامع دیگر - پیشرفت در زمینه دریانوردی، فنون نظامی و اقتصاد صنعتی - کمبود منابع انسانی - پذیرفته‌شدن برتری فرهنگی غرب
- ۴) عدم امکان چیرگی آن‌ها بر یکدیگر به علت مصالح و منافی که آن‌ها را از این امر منع می‌کند - افزایش منابع طبیعی - کمبود منابع انسانی - اتکا به قدرت اقتصادی و استفاده از دول دست‌نشانده

۹۶- به ترتیب هر یک از این عبارات، «توضیح»، «روش» و «ویژگی» چیست؟

الف) استفاده از ابزارها و ظرفیت‌های فرهنگی و علمی به ویژه رسانه‌ها و فناوری اطلاعات

ب) کودتای نظامی در استعمار نو

پ) کنترل بازار و سیاست کشورهای مستعمره توسط کشورهای استعمارگر با اتکا به قدرت نظامی و با استفاده از نهادها و سازمان‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی و هم‌چنین از طریق دولت‌های دست‌نشانده

- ۱) استعمار فرانو - به قدرت رساندن نیروهای وابسته دولت‌های استعمارگر - استعمار نو
- ۲) استعمار فرانو - هدف قراردادن هویت فرهنگی دیگر کشورها - استعمار نو
- ۳) استعمار نو - به قدرت رساندن نیروهای وابسته دولت‌های استعمارگر - استعمار نو
- ۴) استعمار - هدف قراردادن هویت فرهنگی دیگر کشورها - استعمار فرانو

۹۷- «پیشرفت در زمینه اقتصاد صنعتی»، «استفاده از مجریان بومی و داخلی کشورهای مستعمره»، «استفاده از نهادها و سازمان‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی» و «استفاده از کودتای نظامی» به ترتیب بیانگر کدام موارد هستند؟

(سراسری ۹۳)

- ۱) نحوه شکل‌گیری استعمار - ویژگی استعمار فرانو - روش استعمار فرانو - شباهت استعمار و استعمار نو
- ۲) نتیجه استعمار نو - روش استعمار - سیاست استعمار فرانو - تفاوت استعمار و استعمار نو
- ۳) موفقیت استعمار نو - شیوه استعمار نو - شیوه استعمار نو - شباهت استعمار و استعمار نو
- ۴) موفقیت استعمار - سیاست استعمار نو - عملکرد استعمار نو - تفاوت استعمار نو و استعمار فرانو

۹۸- کدام گزینه بیان درستی از موارد (الف)، (ب) و (پ) دارد؟

مراحل استعمار	استعمار قدیم	استعمار نو	استعمار فرانو
ابزار استعمار	قوای نظامی	(ب)	رسانه‌ها و فناوری اطلاعات
هدف استعمار	(الف)	کنترل بازار و سیاست کشورها	(پ)

- ۱) کسب قدرت نظامی - کودتای نظامی و نهادها و سازمان‌های بین‌المللی - ترویج عقاید و ارزش‌های فرهنگ غرب
- ۲) کسب قدرت اقتصادی - کودتای نظامی و نهادها و سازمان‌های بین‌المللی - وادار کردن سایر هویت‌ها برای جست‌وجوی خود ذیل جهان غرب

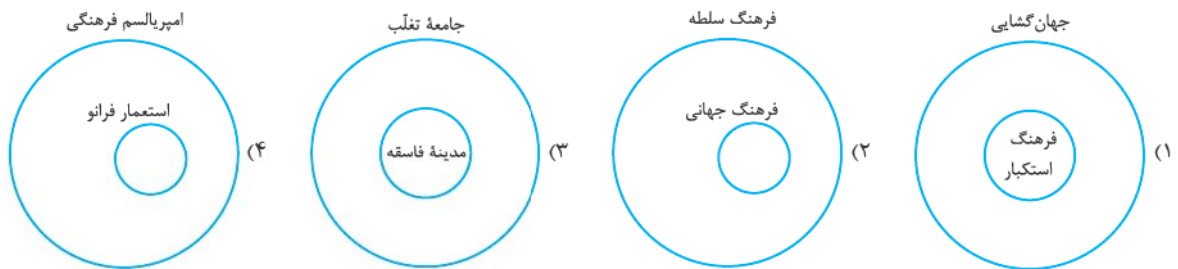
- ۳) حمله مستقیم به کشور مستعمره - مجریان بومی و داخلی کشورهای مستعمره - وادار کردن سایر هویت‌ها برای جست‌وجوی خود ذیل جهان غرب
- ۴) حمله مستقیم به کشور مستعمره - کودتای نظامی و نهادها و سازمان‌های بین‌المللی - ترویج عقاید و ارزش‌های فرهنگ غرب

۹۹- «استفاده از ظرفیت‌های نظامی و سیاسی ایجادشده در دوره استعمار توسط کشورهای استعمارگر»، «بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی و علمی»، «پیشرفت در زمینه دریانوردی و اقتصاد صنعتی» و «هدف قراردادن هویت فرهنگی دیگر کشورها» به ترتیب جزء ویژگی‌های کدام موارد هستند؟
(فارج از کشور ۹۲)

- (۱) استعمار فرانو - استعمار نو - استعمار نو - استعمار فرانو
 (۲) استعمار نو - استعمار فرانو - استعمار قدیم - استعمار فرانو
 (۳) استعمار فرانو - استعمار فرانو - استعمار نو - استعمار نو
 (۴) استعمار نو - استعمار فرانو - استعمار قدیم - استعمار نو
- ۱۰۰- دو معادله از معادلات مطرح‌شده در کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) امپریالیسم = هر نوع سلطه / فرهنگ سلطه و استکبار = امپراتوری و جهان‌گشایی / اشکال جدید سلطه غرب = استعمار نو و فرانو / دوره اوج استعمار = قرن نوزدهم
 (۲) امپریالیسم سیاسی = امپریالیسم شکل‌گرفته از طریق اشغال نظامی جوامع ضعیف / امپریالیسم اقتصادی = امپریالیسم شکل‌گرفته از طریق تصرف بازارها و مواد خام کشور دیگر / امپریالیسم فرهنگی = امپریالیسم شکل‌گرفته از طریق غلبه فرهنگی بر یک قوم / امپریالیسم = هر نوع سلطه
 (۳) استعمار = اشغال یک سرزمین خارجی با توسل به قوای نظامی و سیاسی / دوره اوج استعمار = قرن نوزدهم / دوره آغاز استعمار = قرن شانزدهم / استعمار نو = تهاجم فرهنگی
 (۴) دوره آغاز استعمار = قرن شانزدهم / استعمار نو = در اختیار گرفتن کنترل بازار و سیاست کشورهای دیگر با استفاده از کودتای نظامی و مجریان بومی کشورهای مستعمره / استعمار فرانو = هجوم به عقاید و آرمان‌های فرهنگ دیگر / استعمار = اشغال یک سرزمین خارجی با توسل به قوای نظامی و سیاسی

۱۰۱- نمودار ترسیم‌شده در کدام گزینه به درستی روابط میان مفاهیم مطرح در مباحث فرهنگ‌های جهانی را نشان می‌دهد؟ (ترکیبی با درس ۲)



درس سوم

۷۰- گزینه «۴» بررسی سایرگزینه‌ها:

گزینه (۱): عبارت اول در رابطه با امپریالیسم فرهنگی درست است مگر آن که فروریختن مقاومت فرهنگی منطقه‌ای که تحت تصرف اقتصادی یا نظامی جامعه دیگر قرار گرفته است را به همراه پذیرش برتری فرهنگی جامعه مسلط توسط قوم مغلوب، شرط تحقق امپریالیسم فرهنگی بدانیم و بگوییم صرف مورد اول شرط تحقق امپریالیسم فرهنگی نیست. عبارت دوم این گزینه مربوط به استعمار فرانو است.

گزینه (۲): عبارت اول ناظر به امپریالیسم اقتصادی است. گزینه (۳): عبارت اول مربوط به استعمار نو است. در استعمار نو کشور استعمارگر صرفاً با اتکا به قدرت اقتصادی (نه اقتصادی و فرهنگی) خود، سیاست کشورهای دیگر را در اختیار می‌گیرد.

۷۱- گزینه «۲» امپریالیسم به هر نوع سلطه‌ای اطلاق می‌شود. امپراتوری و شاهنشاهی از طریق کشورگشایی و جهان‌گشایی و با قدرت نظامی و حضور مستقیم سربازان پیروز شکل می‌گیرد. فرهنگ غرب در پنج قرن اخیر، اشکال مختلفی از سلطه را پدید آورده است که از آن با نام‌هایی مانند امپریالیسم و استعمار یاد می‌شود. استعمار، بر اشغال یک سرزمین خارجی، با توسل به قدرت نظامی و سیاسی دلالت می‌کند.

۷۲- گزینه «۱» استعمار از قرن پانزدهم به بعد توسط اروپاییان آغاز شد و در قرن نوزدهم به اوج خود رسید.

۷۳- گزینه «۱» جهان‌گشایی و امپراتوری، اغلب با کشتارها و خسارت‌های انسانی و اقتصادی فراوان همراه است. مغولان برخی شهرها از جمله شهر بخارا - که در متن مذکور از تاریخ جهانگشای جویی مورد اشاره قرار گرفته است - را از دم تیغ گذراندند و حیوانات آن‌ها را نیز نابود کردند. گزینه (۲) در ارتباط با حملات مغول به صورت کلی و گزینه‌های (۳) و (۴) نیز در مورد هجوم مغولان به ایران صادق است. لکن متن صورت سؤال، صرفاً به موضوع گزینه (۱) اشاره دارد.

۷۴- گزینه «۲» در استعمار قدیم، استعمارگران با هدف اشغال سرزمین خارجی، به قدرت نظامی و سیاسی متوسل می‌شوند. در استعمار نو، کشور استعمارگر با اتکا به قدرت اقتصادی خود و با استفاده از نهادها و سازمان‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی و همچنین از طریق دولت‌های دست‌نشانده، کنترل بازار و سیاست کشورهای دیگر را در اختیار می‌گیرد (هدف: کنترل بازار و سیاست کشورهای دیگر).

جهان غرب در استعمار فرانو، هویت فرهنگی دیگر کشورها را هدف قرار می‌دهد، یعنی به عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگ‌های دیگر هجوم می‌برد و به جای آن عقاید و ارزش‌های فرهنگ غرب را تبلیغ و ترویج می‌کند.

۷۵- گزینه «۳» مردمی که برتری مطلق فرهنگی و معرفتی جهان غرب را پذیرفته باشند، هویت خود را در حاشیه جهان جست‌وجو کرده و مسیری را که جهان غرب برای آنان ترسیم می‌کند، دنبال می‌کنند. استعمار فرانو، گسترش و سلطه فرهنگ غرب بر همه جهان و غربی کردن جهان را در پوشش نام «جهانی‌شدن» پیگیری می‌کند.

۷۶- گزینه «۲» [براساس دیدگاه ابونصر محمد فارابی] در جامعه تغلب، مردم برای غلبه یافتن و چیره شدن بر سایر ملت‌ها، با یکدیگر همکاری می‌کنند. چنین وضعی هنگامی پیش می‌آید که همه مردم، شیفته غلبه بر اقوام و ملل دیگر شوند. هدف این مردم خوار و مقهور کردن دیگران است و می‌خواهند ملت مقهور، نه مالک جان خود باشد و نه مال خود و نه هیچ چیز دیگر. چنین افرادی دوست دارند که بر یکایک مردم جامعه خود نیز چیره شوند ولی از آن‌جا که مردم جامعه برای بقای خود و برای غلبه بر اقوام دیگر و برای ممانعت از غلبه اقوام دیگر بر خود، به هم نیازمندند، ناچارند از چیرگی بر یکدیگر خودداری کنند.

۷۷- گزینه «۲» مردم جامعه تغلب به دنبال آن نیستند که مردم جوامع دیگر را به خوشبختی و پیروزی برسانند بلکه هدف ایشان خوار و مقهور کردن دیگران است و مردم جوامع دیگر به نظر آنان خوار و بی‌ارزش شمرده می‌شوند.

نکته عقایدی که مردم جامعه تغلب درباره انسان و جهان دارند، قابل دفاع نیست و براساس خرافات شکل گرفته است؛ بنابراین باطل است (درس ۷ جامعه‌شناسی (۱)) و پر واضح است که مردم چنین جامعه‌ای از ویژگی‌های فرهنگ جهانی مطلوب بی‌بهره‌اند. (درس ۲)

۷۸- گزینه «۴» کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ رضاخان و هم‌چنین کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ محمدرضاشاه دو نوع موفق از کودتاهای استعمار نو و کودتای نوژه، نمونه شکست‌خورده آن می‌باشد.

۷۹- گزینه «۴» کودتای نوژه و کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ مربوط به استعمار نو و هجوم اروپاییان به قاره آمریکا مربوط به استعمار قدیم است.

۸۰- گزینه «۴» هر سه اصطلاح مذکور [توسط آیت‌الله خامنه‌ای بیان شده‌اند] و به استعمار فرانو مربوط می‌شوند که در آن، ابزارها و ظرفیت‌های فرهنگی و علمی به ویژه رسانه‌ها و فناوری اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۸۱- گزینه «۴» ابونصر محمد فارابی در گونه‌شناسی خود از جوامع، یکی از انواع جامعه جاهلی را جامعه تغلب می‌نامد (دلیل مدینه فاسقه نبودن جامعه جاهلی: حق نبودن عقاید و ارزش‌های آن) استعمار نوعی از جهان‌گشایی و امپراتوری است. به علاوه استعمار نو و فرانو اشکال جدیدی از سلطه جهان غرب هستند.

کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ رضاخان، نوع موفق کودتاهای استعمار نو است.

۸۲- گزینه «۳» الف فرهنگ سلطه لزوماً به امپراتوری تبدیل نمی‌شود. (مثلاً سرمایه‌داری، سلطه هست اما امپراتوری فیرا)

ب- اولاً جهان‌گشایی با گسترش زبان صورت نمی‌گیرد و حضور مستقیم سربازان را می‌طلبد، ثانیاً جهان‌گشایی ایرانیان به جهانی شدن فرهنگشان منجر نشد.

پ- توضیحات بیشتر این بخش را در درس‌نامه را ببو.

ت- واژه امپریالیسم مختص به دوران مدرن است و نمی‌توانیم آن را برای فتوحات پیشامدرن به کار ببریم.

یادآوری زبان فارسی به دلیل مشارکت فعال ایرانیان در حیات فکری جهان اسلام از محدوده زبان سیاسی مشترک اقوام ایرانی فراتر رفت و به عنوان زبان دوم جهان اسلام شناخته شد.

(درس ۱۳ جامعه‌شناسی (۱))

۸۳- گزینه «۱» غلبه نظامی گرچه [همواره] به حضور مستقیم قوم مهاجم در مناطق جغرافیایی مختلف منجر می‌شود، اما همیشه بسط فرهنگی [یا غلبه فرهنگی] آن‌ها را به دنبال نمی‌آورد (نادرستی گزینه‌های (۳) و (۴)).

نکته جهان‌گشایی و امپراتوری، مصداقی از غلبه نظامی است؛ لذا ویژگی‌های آن را دارا می‌باشد.

جهان‌گشایی و امپراتوری، اغلب با کشتارها و خسارت‌های انسانی و اقتصادی فراوان همراه است.

۸۴- گزینه «۳» استعمار نوعی از جهان‌گشایی و امپراتوری است. در استعمار نو، کشور استعمارگر با استفاده از نهادها و سازمان‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی، کنترل بازار و سیاست کشورهای دیگر را در اختیار می‌گیرد. در استعمار فرانو، ابزارها و ظرفیت‌های فرهنگی و علمی به ویژه رسانه‌ها و فناوری اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): استعمار - استعمار فرانو - استعمار فرانو

گزینه (۲): استعمار نو - استعمار نو - استعمار نو

گزینه (۴): امپریالیسم - استعمار نو - استعمار نو

۸۵- گزینه «۱» استعمار نو، پس از شکل‌گیری جنبش‌های استقلال‌طلبانه کشورهای مستعمره طی قرن بیستم به وجود آمد. در استعمار نو از مجریان بومی و داخلی کشورهای مستعمره برای نیل به اهداف استعماری استفاده می‌شود.

دولت‌های استعمارگر برای به قدرت رساندن نیروهای وابسته در استعمار نو، از کودتای نظامی نیز استفاده می‌کنند.

۸۶- گزینه «۴» در استعمار فرانو، استعمارگران و مجریان هر دو پنهان‌اند.

در استعمار نو، استعمارگران پنهان و مجریان آشکارند.

در استعمار قدیم، استعمارگران حضور مستقیم و آشکار دارند.

۸۷- گزینه «۳» وجه غالب هر مرحله در مراحل گسترش سلطه غرب (مراحل تغییر استعمار) در دو عامل است: ۱) آشکاربودن یا پنهان‌بودن استعمارگران و مجریان (در صورت وجود) و ۲) ابزاری که در هر مرحله مورد استفاده قرار می‌گیرد که در این سؤال قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) ابزارهای مورد استفاده در هر مرحله را به درستی ذکر نکرده است. (در استعمار فرانو از ابزارهای رسانه‌ای استفاده می‌شود و در استعمار نو از کودتای نظامی)

در ضمن در هر مرحله وجه غالب مرحله قبل هم‌چنان وجود دارد (گرچه دیگر در مرحله جدید وجه غالب نیست اما حضور دارد).

توضیحات بیشتر را در درس‌نامه ببو!

۸۸- گزینه «۳» وجود محراب الجاتیو در مسجد جامع اصفهان نشان از مسلمان‌شدن شاه مغول دارد. به این ترتیب ایرانیان توانسته‌اند در طی حمله مغول با استفاه از فرهنگ غنی و قوی خود مغولان را در خود جذب و هضم نموده و ضمن حفظ عناصر فرهنگی خود مغولان را هم تحت تأثیر فرهنگ خودشان قرار دهند. پس غلبه نظامی همواره، همراه با غلبه فرهنگی نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌های (۲) و (۴): به بحث از دفع مهاجمان و حفظ استقلال سیاسی می‌پردازد که ارتباطی با متن ندارد.

گزینه (۱): هم که برای حذف شدن در نگاه اول نوشته شده! 😊

۸۹- گزینه «۴» در جامعه سرمایه‌داری، هویت افراد بیشتر به ثروت و توان اقتصادی آن‌ها وابسته است. (درس ۸ جامعه‌شناسی (۱))
 فارابی جامعه‌ای را که عقاید و ارزش‌های آن حق باشد، اما هنجارها و رفتارهای آن موافق و هم‌سو با حق نباشد، مدینه (جامعه‌ای فاسقه می‌نامد. (درس ۲) در جامعه دینی هویت اجتماعی افراد براساس عقاید و ارزش‌هایی است که آن دین محترم می‌شمارد؛ مثلاً اسلام هویت افراد را با تقوا، علم و عدالت ارزیابی می‌کند. (درس ۸ جامعه‌شناسی (۱)) در جامعه تغلب، مردم برای غلبه‌یافتن و چیره‌شدن بر سایر ملت‌ها، با یکدیگر همکاری می‌کنند.

۹۰- گزینه «۳» قومی که در اثر تهاجم نظامی شکست می‌خورد، در صورتی که هویت فرهنگی خود را حفظ کند، با ضعیف‌شدن تدریجی قدرت نظامی مهاجم، می‌تواند استقلال سیاسی خود را به دست آورد و اگر فرهنگی غنی و قوی داشته باشد، می‌تواند گروه مهاجم را درون خود هضم نماید و آن را به خدمت گیرد.

فرهنگ جهانی باید روح تعهد و مسئولیت را در انسان‌ها ایجاد کند تا زمینه گسترش و تحقق عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول را فراهم آورد. (درس ۲)

۹۱- گزینه «۴» اروپا در پنج قرن اخیر، کانون شکل‌گیری فرهنگ جدیدی است که آن را به نام فرهنگ غرب می‌شناسیم.

در گذشته تاریخ، [فرهنگ] سلطه و استکبار، امپراتوری‌های بزرگ را به وجود آورده است.

عقاید و ارزش‌های فرهنگ جهانی باید عقاید و ارزش‌های مشترک انسانی باشد (درس ۲)؛ لفظ «باید» به کاررفته در این عبارت، معنای امر و الزام نمی‌دهد، بلکه به معنای «شایسته است» و «بهتر است» به کار رفته است. به بیان دیگر این عبارت در مقام بیان ویژگی فرهنگ مطلوب جهانی است نه آن که هر فرهنگ برای آن که جهانی گردد، می‌بایست این ویژگی‌ها را داشته باشد؛ بسا فرهنگ‌هایی که جهانی شده‌اند بی‌آن که برخوردار از عقیده و ارزشی مشترک میان انسان‌ها باشند. فرهنگی که تسلط یک قوم، جامعه و گروهی خاص را بر دیگران به دنبال می‌آورد و دیگران را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند (استضعاف)، فرهنگ سلطه یا استکبار است (لازم به یادآوری نیست که؛ فرهنگ سلطه = فرهنگ استکبار).

منظور از جهان متجدد، غرب بعد از رنسانس یعنی جهان غرب چهارصد سال اخیر است. (درس ۶ جامعه‌شناسی (۱))

۹۲- گزینه «۳» تأکید بر اشتراکات در فرهنگ جهانی مستلزم نادیده‌گرفتن تفاوت‌ها نیست. پذیرش این تفاوت‌ها [در کنار شباهت‌ها] در فرهنگ جهانی در عین این‌که صلح جهانی را در برابر جنگ پاس می‌دارد انگیزه شناخت متقابل را فراهم می‌کند.

امپراتوری و شاهنشاهی از طریق کشورگشایی و جهان‌گشایی شکل می‌گیرد.

امپریالیسم سیاسی از طریق اشغال نظامی جوامع ضعیف شکل می‌گیرد. در استعمار نو، کشور استعمارگر از طریق دولت‌های دست‌نشانده، کنترل بازار و سیاست کشورهای دیگر را در اختیار می‌گیرد.

۹۳- گزینه «۱» اقوام مغلوب ایرانیان باستان، با حفظ هویت فرهنگی خود و ضعیف‌شدن تدریجی ایرانیان، توانستند استقلال سیاسی خود را به دست آورند و جهان‌گشایی ایرانیان به جهان‌گشایی فرهنگشان منجر نشد اما ایرانیان برعکس مغولان، درون فرهنگ اقوام مغلوب هضم

نشدند و به خدمت آنان درنیامدند؛ بنابراین ماجرای فتوحات ایرانیان باستان نمونه‌ای از موضوع مورد اشاره در عبارت اول و فتوحات مغولان نمونه‌ای از موضوع مورد اشاره در عبارت دوم است.

۹۴- گزینه «۳» امپریالیسم فرهنگی هنگامی رخ می‌دهد که مقاومت فرهنگی منطقه‌ای که تحت تصرف اقتصادی یا نظامی جامعه‌ای دیگر قرار گرفته است فروریزد و قوم مغلوب، برتری فرهنگی جامعه مسلط را نیز بپذیرد (الف) امپریالیسم سیاسی از طریق اشغال نظامی (ب) جوامع ضعیف شکل می‌گیرد. امپریالیسم اقتصادی (پ) در جایی رخ می‌دهد که قدرت اقتصادی یک کشور، بازارها و مواد خام کشور دیگر را تصرف می‌کند.

۹۵- گزینه «۲» مردم جامعه تغلب گمان می‌برند که تنها آنان هستند که خوشبخت، پیروز و مورد رشک دیگران‌اند و باید باشند و از همه جوامع دیگر برترند. مردم جوامع دیگر به نظر آنان خوار و بی‌ارزش شمرده می‌شود. این‌گونه اندیشه‌ها در آنان حس خودخواهی را زنده می‌کند.

موفقیت‌های استعمار در دوران اوج خود، ناشی از پیشرفت در زمینه دریانوردی، فنون نظامی و اقتصاد صنعتی بود.

استعمار اروپایی در سده هفدهم و هجدهم میلادی بزرگ‌ترین برده‌داری تاریخ بشریت را برپا کرد.

در استعمار نو کشور استعمارگر با اتکا به قدرت اقتصادی خود و با استفاده از نهادها و سازمان‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی و هم‌چنین از طریق دولت‌های دست‌نشانده، کنترل بازار و سیاست کشورهای دیگر را در اختیار می‌گیرد.

۹۶- گزینه «۱» در استعمار فرانو، بیش از آن که از ابزارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی استفاده شود، ابزارها و ظرفیت‌های فرهنگی و علمی و به ویژه رسانه‌ها و فناوری اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد. [در استعمار نو] دولت‌های استعمارگر برای به قدرت رساندن نیروهای وابسته، از کودتای نظامی نیز استفاده می‌کنند.

در استعمار نو، کشور استعمارگر با اتکا به قدرت اقتصادی خود و با استفاده از نهادها و سازمان‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی و هم‌چنین از طریق دولت‌های دست‌نشانده، کنترل بازار و سیاست کشورهای دیگر را در اختیار می‌گیرد.

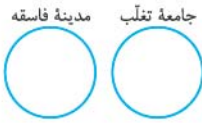
۹۷- گزینه «۴» موفقیت‌های استعمار در دوران اوج، ناشی از پیشرفت در زمینه دریانوردی، فنون نظامی و اقتصاد صنعتی بود. عبارت اخیر موفقیت‌های استعمار را ناشی از موارد مذکور می‌داند اما طراح محترم خود پیشرفت در زمینه دریانوردی، فنون نظامی و اقتصاد صنعتی را موفقیت استعمار دانسته است.
 لطفاً جدول مربوط را یک بار دیگر از درس نامه مطالعه فرما.

۹۸- گزینه «۱» الف هدف استعمار قدیم کسب قدرت اقتصادی نیست به علاوه حمله مستقیم به کشور مستعمره، ابزار آن‌ها برای رسیدن به هدف کسب قدرت نظامی است.

ب در استعمار نو، ابزار استعمار، کودتای نظامی، نهادها و سازمان‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی، دولت‌های دست‌نشانده و مجریان بومی و داخلی کشورهای مستعمره است.

پ هدف استعمار فرانو، ترویج عقاید و ارزش‌های فرهنگ غرب و وادار کردن سایر هویت‌ها برای جست‌وجوی خود ذیل جهان غرب است.

گزینه (۳): مدینه تغلب جامعه دارای فرهنگ سلطه است، اما مدینه فاسقه مدینه‌ای است که ارزش‌های آن حق است اما هنجارهایش ناحق (درس ۱) به این ترتیب بین این دو، رابطه تباین وجود دارد چون مدینه فاسقه نمی‌تواند با ارزش‌های حقی که دارد قائل به چیره‌شدن بر سایر ملت‌ها باشد.



۹۹- گزینه «۲» «استفاده از ظرفیت‌های نظامی و سیاسی ایجاد شده در دوره استعمار توسط کشورهای استعمارگر» مشخصاً باید به دوره‌ای از استعمار اشاره کند که مربوط به پس از استعمار قدیم است. استعمار نو به ظرفیت‌های نظامی و سیاسی کار دارد (نه فرانو!). بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی و علمی و هدف قراردادن هویت فرهنگی دیگر کشورها مشخصاً مربوط به استعمار فرانو است (در قدیم و نو بحثی از فرهنگ نداشتیم). پیشرفت در زمینه دریانوردی و اقتصاد صنعتی مربوط به دوره استعمار قدیم است. نکته در تست‌ها «استعمار» به صورت مطلق را معمولاً برابر با «استعمار قدیم» می‌گیرند. اگرچه کاربرد اصطلاح استعمار قدیم دقیق‌تر است.

۱۰۰- گزینه «۳» فنزینز برای همین روزها با مشقت تهیه شده! در گزینه (۳) مورد سوم و چهارم نادرست است. دوره آغاز استعمار قرن پانزدهم است (نه شانزدهم)، به علاوه استعمار فرانو برابر است با تهاجم فرهنگی (نه استعمار نو).

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): مورد دوم نادرست است؛ چرا که فرهنگ سلطه عام‌تر از امپراتوری است و رابطه تساوی ندارند. گزینه (۲): تمامی موارد درست است. گزینه (۴): مورد اول نادرست است.

۱۰۱- گزینه «۴» امپریالیسم فرهنگی هنگامی رخ می‌دهد که مقاومت فرهنگ منطقه‌ای که تحت تصرف اقتصادی یا نظامی جامعه‌ای دیگر قرار گرفته است فروریزد و قوم مغلوب برتری فرهنگی جامعه مسلط را نیز بپذیرد.

در استعمار فرانو بیش از آن که از ابزارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی استفاده شود ابزارها و ظرفیت‌های فرهنگی و علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

به این ترتیب از آن‌جا که امپریالیسم به هر نوع سلطه‌ای اطلاق می‌شود رابطه عموم و خصوص مطلق که ترسیم شده صحیح است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

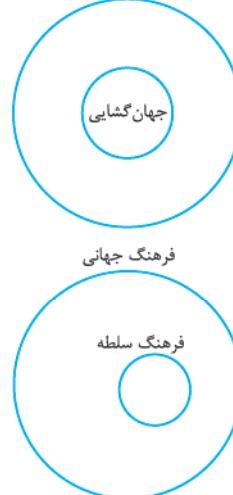
به هوش و به گوش!

گزینه (۱): امپراتوری و شاهنشاهی از طریق کشورگشایی و جهان‌گشایی و با قدرت نظامی و حضور مستقیم سربازان پیروز شکل می‌گیرد.

فرهنگی که تسلط یک قوم، جامعه و گروهی خاص را بر دیگران به دنبال می‌آورد و دیگران را به ضعف و ناتوانی می‌کشد، فرهنگ سلطه یا استکبار است. به این ترتیب استکبار عام‌تر از امپراتوری است نه بالعکس.

گزینه (۲): فرهنگ جهانی دو نوع دارد (درس ۱)

نوع دوم آن، فرهنگ سلطه است. پس فرهنگ جهانی عام‌تر از فرهنگ سلطه است نه بالعکس.



درس سوم: نمونه‌های فرهنگ جهانی (۱)

عَلَّتْ مَدِّتْ

همکاری برای غلبه بر سایر ملت‌ها زنده‌شدن حس خودخواهی مردم مدینهٔ تغلب به وجود آمدن امپراتوری‌های بزرگ (در گذشته تاریخ البته!) امپراتوری و شاهنشاهی به دست آوردن استقلال سیاسی هضم کردن مهاجم و به خدمت گرفتن آن	شیفتگی مردم مدینهٔ تغلب برای غلبه بر اقوام و ملل دیگر حس برتری مردم مدینهٔ تغلب نسبت به سایر ملت‌ها و خواردانستن آن‌ها سلطه و استکبار کشورگشایی و جهان‌گشایی، قدرت نظامی، حضور مستقیم سربازان پیروز حفظ هویت فرهنگی در صورت شکست در اثر تهاجم نظامی حفظ هویت فرهنگی در صورت شکست بر اثر تهاجم نظامی به همراه دارابودن فرهنگ غنی و قوی
پدیدآمدن اشکال مختلفی از سلطه امپریالیسم سیاسی امپریالیسم اقتصادی موفقیت‌های استعمار در قرون ۱۵ تا ۱۹ بزرگ‌ترین برده‌داری تاریخ در قرن ۱۷ و ۱۸ به قدرت رساندن نیروهای وابسته به قدرت خود در اختیار گرفتن کنترل بازار و سیاست کشورهای دیگر	فرهنگ غرب اشغال نظامی جوامع ضعیف تصرف بازارها و مواد خام کشور دیگر با استفاده از قدرت اقتصادی پیشرفت در زمینهٔ دریانوردی، فنون نظامی و اقتصاد صنعتی استعمار اروپایی استفاده از کودتای نظامی در استعمار نو توسط دول استعمارگر اتکا به قدرت اقتصادی، استفاده از نهادها و سازمان‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی، استفاده از دولت‌های دست‌نشانده در استعمار نو
جست‌وجوی هویت خود در حاشیهٔ جهان غرب و دنبال کردن مسیر ترسیم‌شدهٔ جهان غرب شکل‌گیری کودتای نوزه مردم مدینهٔ تغلب از چیرگی بر یکدیگر خودداری می‌کنند.	پذیرفتن برتری مطلق فرهنگی و معرفتی جهان غرب قصد آمریکا و انگلستان برای ضربه‌زدن به انقلاب اسلامی ایران مردم جامعه برای بقای خود و برای غلبه بر اقوام دیگر و برای ممانعت از غلبهٔ اقوام دیگر بر خود، به هم نیازمند هستند.
جهانی‌نشدن فرهنگ آنان به سرعت تحت تأثیر فرهنگ‌هایی قرار گرفتند که از نظر نظامی آن‌ها را شکست داده بودند.	قومی و قبیله‌ای بودن فرهنگ مغولان فرهنگ مغولان قومی و قبیله‌ای بود و شایستگی لازم برای یک فرهنگ جهانی نداشت.
امپراتوری مغول در چین، هند و ایران تحت تأثیر فرهنگ‌های اقوام مغلوب هویتی چینی، هندی و ایرانی پیدا کرد و به صورت سه حکومت مستقل درآمد.	مغولان به سرعت تحت تأثیر فرهنگ‌هایی قرار گرفتند که از نظر نظامی آن‌ها را شکست داده بودند.
امپریالیسم فرهنگی رخ می‌دهد.	مقاومت فرهنگی منطقه‌ای که تحت تصرف اقتصادی یا نظامی جامعه‌های دیگر قرار گرفته است فرو ریزد و قوم مغلوب، برتری فرهنگی جامعهٔ مسلط را نیز بپذیرد.

قید مید

مردم مدینهٔ تغلب گمان می‌برند تنها آنان هستند که خوشبخت، پیروز و مورد رشک دیگران‌اند و از همهٔ جوامع دیگر برترند.	همه
مردم مدینهٔ تغلب همواره می‌خواهند دیگران آنان را ستایش کرده و چاپلوسی نمایند.	همواره
فرهنگ‌های بسیاری از مرزهای جغرافیایی خود عبور کرده و به سوی جهانی شدن حرکت کرده‌اند، برخی از آن‌ها فرهنگ سلطه و استکبار بوده‌اند.	برخی، بسیاری
برخی فرهنگ‌ها و جوامع، سلطه بر دیگر جوامع را ارزش اجتماعی برتر می‌دانند.	برخی
در گذشته سلطه و استکبار امپراتوری‌های بزرگ را به وجود آورده است.	در گذشته
جهان‌گشایی و امپراتوری اغلب با کشتارها و خسارت‌های انسانی و اقتصادی فراوان همراه است.	اغلب، فراوان
مغولان در حمله به ایران برخی از شهرها را از دم تیغ گذراندند.	برخی
غلبهٔ نظامی همواره با غلبهٔ فرهنگی همراه نیست.	همواره
غلبهٔ نظامی همیشه بسط فرهنگی قوم مهاجم را به دنبال نمی‌آورد.	همیشه
مغولان به سرعت تحت تأثیر فرهنگ‌هایی قرار گرفتند که از نظر نظامی شکست خورده بودند.	به سرعت
اروپا در پنج قرن اخیر، کانون شکل‌گیری فرهنگ جدیدی است که آن را به نام فرهنگ غرب می‌شناسیم.	پنج قرن اخیر

هر	واژه امپریالیسم از امپراتوری گرفته شده است و به هر نوع سلطه‌ای گفته می‌شود.
نوعی از، پانزدهم، نوزدهم	استعمار نوعی از جهان‌گشایی و امپراتوری است که از قرن پانزدهم به بعد توسط اروپاییان آغاز شد و در قرن نوزدهم به اوج رسید.
نوزدهم، ۳۵٪ و ۶۷٪	در قرن نوزدهم تصرفات اروپاییان از ۳۵٪ کره زمین به ۶۷٪ رسید.
هفدهم، هجدهم، بزرگ‌ترین	استعمار اروپایی در سده هفدهم و هجدهم میلادی بزرگ‌ترین برده‌داری تاریخ بشریت را به پا کرد.
پنجاه ساله، پانزده میلیون	اروپاییان در یک دوره پنجاه ساله، ۱۵ میلیون سرخ‌پوست را نابود کردند.
به مرور	سلطه جهان غرب بر کشورهای دیگر به سلطه نظامی محدود نشد، بلکه به مرور اشکال جدیدی از آن پدیدار شد.
بیستم	استعمار نو پس از شکل‌گیری جنبش‌های استقلال‌طلبانه کشورهای مستعمره طی قرن بیستم به وجود آمد.
سوم اسفند ۱۲۹۹ - ۲۸ مرداد ۱۳۳۲	کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ رضاخان و هم‌چنین کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ محمدرضا شاه دو نوع موفق از کودتاهای استعمار نو هستند.
بیش	در استعمار فرانو بیش از آن‌که از ابزارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی استفاده شود، ابزارها و ظرفیت‌های فرهنگی و محلی به ویژه رسانه‌ها و فناوری اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد.
همه	استعمار فرانو گسترش و سلطه فرهنگ غرب بر همه جهان و غربی کردن جهان را در پوشش نام جهانی‌شدن پیگیری می‌کند.

دره دقیقه

- مدینه تغلب: یکی از انواع جوامع جاهلی فارابی، ویژگی‌ها: همکاری مردم برای چیره‌شدن بر سایر ملل، هدف مردم: مقهور کردن دیگران، حالات روحی مردم: احساس برتری نسبت به سایر جوامع، خودخواهی، گمان می‌کنند ملل دیگر چنین سعادت را نمی‌شناسند.
- در گذشته تاریخ، سلطه و استعمار، امپراتوری‌های بزرگ را به وجود آورده است.
- علت شکل‌گیری امپراتوری و شاهنشاهی: کشورگشایی و جهان‌گشایی و با قدرت نظامی و حضور مستقیم سربازان پیروز (اغلب با کشتارها و خسارت‌های انسانی و اقتصادی فراوان همراه است).
- غلبه نظامی: به حضور مستقیم قوم مهاجم در مناطق جغرافیایی منجر می‌شود، اما همیشه بسط فرهنگی آن‌ها را به دنبال نمی‌آورد.
- قومی که در اثر تهاجم نظامی شکست می‌خورد:

- ۱) در صورتی که هویت فرهنگی خود را حفظ کند با ضعیف‌شدن تدریجی قدرت نظامی مهاجم، می‌تواند استقلال سیاسی خود را به دست آورد.
- ۲) اگر قوم شکست‌خورده هویت فرهنگی خود را حفظ کند و فرهنگی قوی داشته باشد می‌تواند گروه مهاجم را درون فرهنگ خود هضم کند و آن را به خدمت گیرد.

مثال‌ها با فودرت (با دوربین نگاه!)

- امپریالیسم: گرفته‌شده از امپراتوری، اطلاق به هر نوع سلطه
- انواع: سیاسی (با اشغال نظامی جوامع ضعیف)، اقتصادی (تصرف بازارها و مواد خام کشور دیگر)، فرهنگی (مقاومت فرهنگی قوم تحت تصرف اقتصادی یا سیاسی فروریزد و برتری فرهنگی قوم مسلط پذیرفته شود)
- استعمار: دلالت بر اشغال سرزمین خارجی با توسل به قدرت نظامی و سیاسی، نوعی از جهان‌گشایی، از قرن ۱۵ به بعد توسط اروپاییان آغاز شد و در قرن نوزدهم به اوج رسید.

عوامل موفقیت استعمار در قرن ۱۵ تا ۱۹ میلادی: پیشرفت در زمینه دریانوردی، فنون نظامی و اقتصاد صنعتی

- بزرگ‌ترین برده‌داری تاریخ بشریت: برپا شده توسط استعمار اروپایی سده ۱۷ و ۱۸ میلادی

- اشکال جدید سلطه جهان غرب: استعمار نو، فرانو

استعمار نو: ایجادشده پس از شکل‌گیری جنبش‌های استقلال‌طلبانه کشورهای مستعمره طی قرن بیستم، استفاده از مجریان بومی و داخلی کشورهای مستعمره برای نیل به اهداف استعماری، استفاده از کودتای نظامی برای به قدرت رساندن نیروهای وابسته، اتکا به قدرت اقتصادی خود و استفاده از نهادها و سازمان‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی و استفاده از دولت‌های دست‌نشانده برای در اختیار گرفتن کنترل بازار و سیاست کشورهای دیگر (مثال‌ها با فودرت!)

استعمار فرانو: استفاده از ابزارها و ظرفیت‌های فرهنگی و محلی به جای ابزارهای نظامی، گسترش و سلطه فرهنگ غرب بر همه جهان را در پوشش نام جهانی‌شدن پیگیری می‌کند.

تفاوت‌های استعمار قدیم و نو و فرانو چه بود؟ هستند!